

باسمه تعالی

سؤالات نهایی درس به درس پایه دوازدهم ریاضی و فیزیک - علوم تجربی - دی ماه ۱۳۹۷ تا شهریور ماه ۱۴۰۱

رشته: ریاضی و فیزیک - علوم تجربی	سؤالات امتحان نهایی: عربی - زبان قرآن ۳	پایه: دوازدهم دوره دوم متوسطه
الدرس الأول	عنوان درس: الدین والتدين	تنظیم کننده: افسانه باقری - طیبه عباسی
ردیف	شرح سؤالات	
۱	ترجم الكلمات التي تحتها خط: الف) علّق الفأس على كتفه. «دی ۹۷» (تبر) ب) أنقذ إبراهيم قومه من عبادة الأصنام. «خرداد ۹۸» (بتها) ج) عباداته و شعائره كانت خرافية. «شهریور ۹۸ - خرداد ۱۴۰۰ - دی ۱۴۰۰» (مراسمش) د) أنقذ الله إبراهيم من النار. «دی ۹۸» (نجات داد) هـ) إن الغضب مفسدة. «خرداد ۹۹ - دی ۹۹» (تباهی) و) كسر إبراهيم جميع الأصنام. «شهریور ۹۹» (شکست) ز) قد حدّثنا القرآن الكريم عن سيرة الأنبياء. «شهریور ۱۴۰۰» (روش و کردار، سرگذشت) ح) العربُ تعرفُ من أنكرت والعجم. «خرداد ۱۴۰۱» (ناشناخته شمردی (انکار کردی)) ط) كلُّ وعاءٍ يضيّق بما جعل فيه. «خرداد ۱۴۰۱» (تنگ می شود)	
۲	عين المترادف والمتضاد: الف) أرى = أشاهد «دی ۹۷» ب) الصراع ≠ السلم «دی ۹۷» ج) الصراع = النزاع «خرداد ۹۸ و ۹۹» د) الحنيف = الموحد «دی ۹۸ - شهریور ۹۹» هـ) النزاع ≠ السلم «شهریور ۱۴۰۰» و) الخير ≠ السوء «شهریور ۱۴۰۱»	
۳	عين الكلمة الغريبة في المعنى: الف) الفمّ ب) الطين ج) الرجل د) العظم «خرداد ۹۸» الف) النقوش ب) الرسوم ج) الكتابات د) الأقوام «شهریور ۱۴۰۰»	

۴	اُكْتُبْ جَمْعَ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (دی ۹۸) عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ الصَّنَمِ. اُكْتَفِ
۵	ترجم عباراتِ إلى الفارسیة: الف) ﴿ قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ ﴾ «دی ۹۷ - شهریور ۹۹ - خرداد ۱۴۰۰» گفتند او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید. ب) ﴿ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ﴾ «خرداد ۹۸» دانشی نداریم مگر آنچه را که به ما آموخته‌ای (آموختی). ج) ثُمَّ عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِهِ وَ تَرَكَ الْمَعْبَدَ. «خرداد ۹۸» سپس تیر را بر شانه‌اش انداخت و عبادتگاه را ترک کرد. د) الْحَضَارَاتُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالْدِّينِ. «خرداد ۹۸» تمدن‌های قدیمی بر توجه انسان به دین تأکید می‌کنند. ه) ﴿ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ﴾ «شهریور ۹۸» و کافر می‌گوید ای کاش خاک بودم. و) لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ. «شهریور ۹۸» هیچ دینی ندارد کسی که هیچ عهد و پیمانی ندارد. ز) حَاوِلْ إِبْرَاهِيمُ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ. «شهریور ۹۸ - خرداد ۱۴۰۱» ابراهیم تلاش کرد که مردمش را از پرستش بت‌ها نجات دهد. ح) كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ. «دی ۹۸» گویا خشنودی همه مردم هدفی است که به دست آورده نمی‌شود.

ط) لا لباسَ أَجْمَلٌ مِنَ العَافِيَةِ. «دی ۹۸»

هیچ لباسی زیباتر از سلامتی نیست.

ی) كَسَّرَ إِبْرَاهِيمُ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ. «دی ۹۸»

ابراهیم جز بت بزرگ، همه بت‌ها را در پرستشگاه شکست.

ک) ﴿أَيَحْسَبَ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾ «خرداد ۹۹ - شهریور ۹۹ - شهریور ۱۴۰۰»

آیا انسان می‌پندارد که بیهوده رها شود (می‌شود)؟

ل) كُلُّ طَعَامٍ لَا يَذْكُرُ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ لَا بَرَكَهَ فِيهِ. «خرداد ۹۹ - شهریور ۱۴۰۱»

هر خوراکی که نام خدا بر آن برده نشود، هیچ برکتی در آن نیست.

م) لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْعَمَلِ. «شهریور ۹۹»

هیچ خیری در کلامی نیست مگر با عمل همراه باشد.

ن) خذُوا الْحَقَّ مِنَ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَلَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنَ أَهْلِ الْحَقِّ. «شهریور ۹۹»

حق را از اهل باطل بگیرید و باطل را از اهل حق نگیرید.

س) ﴿فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ «دی ۹۹»

پس این، روز رستاخیز است ولی شما نمی‌دانستید.

ع) أَجَابَ الْمَدِيرُ: لَا طَالِبَ هُنَا. «دی ۹۹»

مدیر جواب داد: هیچ دانش‌آموزی اینجا نیست.

ف) بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَامَسُونَ: إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ وَيَقْصِدُ إِبْرَاهِيمَ الْإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا. «دی ۹۹»

قوم شروع به پیچ‌پیچ کردند: همانا بت سخن نمی‌گوید و ابراهیم قصد مسخره کردن بت‌های ما را دارد.

ص) ﴿وَأَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾ «خرداد ۱۴۰۰»

با یکتاپرستی به دین روی بیاور.

ق) ﴿أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَتْنَا يَا إِبْرَاهِيمُ﴾ «خرداد ۱۴۰۰ - دی ۱۴۰۰»

آیا تو این کار را با خدایان ما انجام دادی (انجام داده‌ای)؟

ر) الآثارُ القديمةُ تُؤكِّدُ اهتمامَ الإنسانِ بالدِّينِ. «شهریور ۱۴۰۰»

آثار قدیمی بر توجه انسان به دین تأکید می‌کند.

ش) في أحد الأعياد لما خرجَ قومُهُ من مدينتِهِم، بقيَ إبراهيمُ وحيداً. «شهریور ۱۴۰۰»

در یکی از عیدها هنگامی که قومش از شهرشان خارج شدند ابراهیم (ع) تنها ماند.

ت) قد حدَّثنا القرآنُ الكريمُ عن سيرة الأنبياء (ع). «دی ۱۴۰۰»

قرآن درباره رفتار پیامبران با ما سخن گفته است.

ث) إزدادت هذه الخرافاتُ في أديانِ النَّاسِ على مرِّ العصورِ. «دی ۱۴۰۰»

این خرافات در دین‌های مردم در گذر زمان افزایش یافت.

خ) الكتابُ الَّذي تصفَّحته أثَّرَ في نفسي تأثيراً. «شهریور ۱۴۰۱»

کتابی که آن را سریع مطالعه کردم (ورق زدم) در وجودم حقیقتاً تأثیر گذاشت.

ذ) ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسِرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ «خرداد ۱۴۰۱»

به درستی که انسان در زیان است به جز کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند.

۶ اِنْتَخِبِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجَمَةِ:

الف) ﴿وَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ﴾ «دی ۹۸»

۱- گفتارشان تو را اندوهگین نمی سازد. <u>۲- نباید گفتارشان تو را اندوهگین سازد.</u> ب) إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ. «دی ۹۸» ۱- <u>افتخار، تنها به خردی استوار است.</u> ۲- به درستی که افتخار به خردی استوار است. ج) إِزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ. «خرداد ۹۹» ۱- این خرافات در دین مردم در زمان های مختلف زیاد می شود. ۲- <u>این خرافات در دین های مردم در گذر زمان افزایش یافت.</u> د) ﴿وَلَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ «شهریور ۹۹» ۱- <u>و گفتارشان نباید تو را ناراحت کند؛ زیرا ارجبندی همه از آن خداست.</u> ۲- و گفتارشان تو را ناراحت نکرده است؛ زیرا ارجبندی همه از آن خداست. ه) أَجَابَ: لَمْ تَسْأَلُونَنِي؟ إِسْأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ. «خرداد ۱۴۰۰» ۱- جواب داد: از من پرسید، از بت بزرگ پرسید. ۲- <u>جواب داد: چرا از من می پرسید؟ از بت بزرگ پرسید.</u>	
کَمَلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَةِ: الف) لَا كُنْزَ أَغْنَىٰ مِنَ الْقَنَاعَةِ: «دی ماه ۹۷» <u>هیچ گنجی بی نیازکننده تر از قناعت نیست.</u> ب) ﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرَابًا﴾ «دی ۹۷» کافر می گوید <u>ای کاش</u> من <u>خاک</u> بودم. ج) بَلْ تَرَاهُمْ خُلُقُوا مِنْ طِينَةٍ هَلْ سَوَىٰ لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ «دی ۹۷»	۷

بلکه آن‌ها را می‌بینی که از گل آفریده شده‌اند. آیا به جز گوشت و استخوان و پی‌اند.

(د) كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ. «خرداد ۹۸»

گویا خشنود ساختن همه مردم هدفی است که به‌دست آورده نمی‌شود.

(ح) ﴿وَلَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ «شهریور ۹۸»

و گفتارشان نباید تورا ناراحت کند؛ زیرا ارجمندی همه از آن خداست.

(و) رَبَّنَا وَ لَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ. «دی ۹۸»

پروردگارا آنچه توانش را نداریم بر ما تحمل نکن.

(ز) يعيش البخیل فی الدنيا عیش الفقراء. «خرداد ۱۴۰۱»

شخص بخیل در دنیا مانند (همچون) فقیران زندگی می‌کند.

۸

ترجم الأفعال و الكلمات التالية:

(الف) انْقَطَعَ: بریده شد «دی ۹۷»

(۱) لَنْ يَنْقَطَعَ (بریده نخواهد شد) (۲) كَانَ يَنْقَطِعُ (بریده می‌شد)

(ب) اسْتَغْفَرَ: آمرزش خواست: «خرداد ۹۸»

(۱) أَيُّهَا النَّاسُ اسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِكُمْ. (آمرزش بخواهید) (۲) لَيْتَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ لِذُنُوبِهِمْ. (آمرزش بخواهند)

(ج) قَطَعَ: برید «شهریور ۹۸»

(۱) كَانُوا يَقْطَعُونَ: (می‌بریدند) (۲) لَا نَقْطَعُ: (نمی‌بریم)

(د) أَجْلَسَ: نشانید «دی ۹۸»

(۱) لِمَاذَا لَا تَجْلِسِينَ الْأَطْفَالَ؟ (نمی‌نشانی) (۲) هُمْ لَمْ يُجْلِسُوا التَّلَامِيذَ. (نشاندهند)

هـ) <u>اِسْتَغْفَرَ</u>: آمرزش خواست «شهریور ۹۹» ۱) أَنْتُمْ <u>قَدْ اِسْتَغْفَرْتُمْ</u>. (آمرزش خواسته‌اید) ۲) هُمْ <u>لَا يَسْتَغْفِرُونَ</u>. (آمرزش نمی‌خواهند) ۳) هِيَ <u>مَا اِسْتَغْفَرْتُ</u>. (آمرزش نخواست) و) غَفَرَ: آمرزید «دی ۹۹» ۱) الْمَغْفُورُ: (آمرزیده شده) ۲) الْغَفَّارُ: (بسیار آمرزنده) ز) جَلَسَ: نشست «خرداد ۱۴۰۰» ۱) كَانَ <u>يَجْلِسُ</u> عَلَى الْأَرْضِ. (می‌نشست) ۲) هُمْ <u>سَوْفَ يَجْلِسُونَ</u>. (خواهند نشست) ۳) هِيَ <u>جَلَسَتْ</u> هُنَاكَ. (نشست) ح) غَفَرَ: آمرزید «دی ۱۴۰۰» ۱) <u>لَا يُغْفَرُ</u> الْمُخْطِئُ. (آمرزیده نمی‌شود) ۲) <u>قَدْ غَفَرَ</u> اللَّهُ عَبْدَهُ. (آمرزیده است) ۳) اللَّهُ هُوَ الْغَفَّارُ. (بسیار آمرزنده) ط) خَلَقَ: آفرید ۱) <u>خُلِقَ</u>: آفریده شد ۲) <u>يَخْلُقُونَ</u>: می‌آفرینند	۹ الف) اِبْحَثْ عَنِ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ فِي الْجُمْلِ: (اسم تفضیل، اسم فاعل، اسم مفعول) ۱) عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ أَصْغَرِ الْأَصْنَامِ. «شهریور ۹۹» أَصْغَرُ: اسم تفضیل مذکر ۲) لَافَقَرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ. «شهریور ۹۹» أَشَدُّ: اسم تفضیل مذکر ۳) عِنْدَمَا يَرَى حَيَوَانًا مُفْتَرِسًا قُرْبَ عَشِّهِ، يَتَظَاهَرُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ. «دی ۹۹» مُفْتَرِسٌ: اسم فاعل - مَكْسُورٌ: اسم مفعول ۴) غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ. «خرداد ۱۴۰۰» الْمُكْرَمِينَ: اسم مفعول ب) تَرَجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: ۱) كَانَتْهُمْ بَنِيَانٌ مَرصُوصٌ. «دی ۹۷ - شهریور ۹۹» محکم
---	--

(۲) إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ <u>الْمُحْسِنِينَ</u>. «شهریور ۹۸» نیکوکاران (۳) شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ <u>مُكَسَّرَةً</u>. «شهریور ۱۴۰۰» شکسته شده (۴) هَاتَانِ الْبَتَانِ قَامَتَا <u>بِجَوْلَةٍ</u> عِلْمِيَّةٍ. «شهریور ۱۴۰۱» گردش (۵) فَالْتَّجَارِبَ لَا <u>تُغْنِينَا</u> عَنِ الْكُتُبِ. «شهریور ۱۴۰۱» ما را بی نیاز نمی کند	
۱۰ اِتَّخَذَ الصَّحِيحُ <u>لِلْفَرَاغِ</u>: الف) لَيْتَ نَبْتَعُدُ عَنِ الْكَسَلِ. (دور شویم - دور می شدیم - دور شده بودیم) «دی ۹۷» ب) جمع «العظم» (العظام - العُظَاء - الأعَاضِم) «خرداد ۹۹» ج) مفرد «العُصُور» (العصر - العَصْرَة - العَصِير) «شهریور ۹۹»	
۱۱ عَيْنَ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: الف) تُؤَكِّدُ <u>الْآثَارَ</u> الْقَدِيمَةَ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ. «دی ۹۷» فاعل ب) عَلَّقَ <u>إِبْرَاهِيمُ</u> الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ أَصْغَرِ <u>الْأَصْنَامِ</u>. «شهریور ۹۸» فاعل مضاف الیه ج) لَا يَرْحَمُ <u>اللَّهُ</u> مَنْ لَا يَرْحَمُ <u>النَّاسَ</u>. «خرداد ۹۹ - دی ۹۹» فاعل مفعول د) الْآثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ <u>اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ</u> بِالذِّينِ. «خرداد ۱۴۰۰» مفعول مضاف الیه هـ) يَرَى <u>الطَّائِرَ</u> الذَّكِيَّ <u>حَيَوَانًا</u> مُفْتَرَسًا. «شهریور ۱۴۰۰» فاعل مفعول و) يَتَّبِعُ <u>الْحَيَوَانُ</u> <u>طَائِرًا</u> فِي عَشِّهِ. «دی ۱۴۰۰» فاعل مفعول ز) حَضَرَ <u>الْمُسَافِرُ</u> فِي قَاعَةِ <u>الْمَطَارِ</u>. «خرداد ۱۴۰۱» فاعل جارو مجرور	
۱۲ عَيْنَ الصَّحِيحِ <u>لِلْفَرَاغِ</u> (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ) «الْحَنِيفُ - لَيْتَ - الْكَافِرُ - الصَّنَمُ - سُدَى - لَعْلٌ» الف) <u>الْحَنِيفُ</u> تَارَكَ لِلْبَاطِلِ وَالْمَتَمَهِلِ إِلَى دِينِ الْحَقِّ. «دی ۹۷ - شهریور ۱۴۰۰»	

	ب) <u>الصَّنَمُ</u> تِمثالٌ من حَجَرٍ أو خَشَبٍ أو حَدِيدٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ. «دی ۹۸ - دی ۱۴۰۰» ج) تَمَنَّى المَزَارِعَ <u>لَبِتَ</u> المَطَرِ يَنْزِلُ كَثِيرًا. «دی ۹۹» د) لَا يَتَرَكُ اللَّهُ الْإِنْسَانَ <u>سُدًى</u>. «خرداد ۱۴۰۰»
۱۳	عَيْنُ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ: الف) الصَّنَمُ تِمثالٌ مِنْ حَجَرٍ أو خَشَبٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ. «دی ۹۹» صحيح ب) عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ أَصْغَرَ الْأَصْنَامِ. «شهریور ۱۴۰۰» خطأ ج) لَمْ يَكُنْ لِبَعْضِ الشُّعُوبِ دِينٌ أو طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ. «دی ۱۴۰۰» خطأ
۱۴	إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ: «دی ۹۷» الآثَارُ الْقَدِيمَةُ اكْتَشَفَهَا الْإِنْسَانُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالْدِّينِ وَ يَدُلُّ عَلَى أَنَّهُ فِطْرِيٌّ فِي وَجُودِهِ. الف) مَنْ اكْتَشَفَ الْآثَارَ الْقَدِيمَةَ؟ اكتشفها الإنسان ب) ماذا تُؤَكِّدُ الْآثَارُ الْقَدِيمَةُ؟ تؤكد اهتمام الإنسان بالدين.
۱۵	عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَالْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ: ازدادت الخرافات في أديان الناس على مرَّ العصور: «دی ۹۸» الف) ازدادت: ۱- فعلٌ ماضٍ، مفردٌ، مذکرٌ، مجهولٌ / مبتدأ ۲- <u>فعلٌ ماضٍ، مفردٌ، مؤنثٌ، معلومٌ / فعل</u> ب) العُصُور ۱- <u>اسمٌ، جمع التکسیر، مُعرَّفٌ بآلٍ / مضاف إليه</u> ۲- <u>اسمٌ، مفردٌ، مذکرٌ، مُعرَّفٌ بآلٍ / مفعول</u> «الجسم القوي يجذب غذاءً مناسباً لنفسه». «خرداد ۱۴۰۱» يجذب: ۱: <u>فعلٌ مضارعٌ، معلومٌ / خبرٌ</u> ۲: فعلٌ ماضٍ، مجهولٌ / فعلٌ مناسباً: ۱: اسمٌ، مفردٌ، مذکرٌ، معرفةٌ / مضاف إليه ۲: <u>اسمٌ، مفردٌ، مذکرٌ، نكرةٌ / صفةٌ</u>

أرجو من الله التوفيق.

رشته: ریاضی و فیزیک - علوم تجربی	سؤالات امتحان نهایی: عربی زبان قرآن ۳	پایه: دوازدهم دوره دوم متوسطه
الدرس الثاني	عنوان درس: <u>مكة المكرمة و المدينة المنورة</u>	تنظیم کننده: افسانه باقری - طیبه عباسی
ردیف	شرح سؤالات	
۱	ترجم الكلمات التي تحتها خط: (الف) كلُّ مُسلمٍ يرى هذا <u>المشهد</u>. «دی ۹۷ - شهریور ۹۹» <u>صححه</u> (ب) أنا <u>أتمنى</u> أن أتشرفَ لزيارتها. «خرداد ۹۸» <u>آرزو دارم</u> (ج) أتذكر <u>خيّام الحجاج</u>. «شهریور ۹۸ - شهریور ۱۴۰۰» <u>چادرها</u> (د) سمكةُ السهم من <u>أعجب</u> الأسماك في الصيد. «شهریور ۹۸» <u>شگفت ترین</u> (هـ) ذهبَ إلى <u>الموقف</u> السيارات. «شهریور ۹۸» <u>ایستگاه</u> (و) كانَ النبيُّ يتعبَّدُ في <u>قمه</u> غار حراء. «دی ۹۸» <u>قله</u> (ز) <u>المعمل</u> مُعطلٌ اليوم. «دی ۹۸» <u>کارخانه</u> (ح) <u>لجأ</u> إلى غار ثور. «خرداد ۹۹» <u>پناه برد</u> (ط) <u>تمرّ</u> أمامي ذكرياتي. «دی ۹۹» <u>می گذرند</u> (ی) أتمنى <u>أن أزور</u> هذه الأماكن. «خرداد ۱۴۰۰» <u>که زیارت کنم</u> (ک) ما هي <u>ذكرياتكم</u> عن الحج؟ «دی ۱۴۰۰» <u>خاطرات</u> (ل) إنَّ سيارتنا <u>مُعطلة</u> و أخذها إلى <u>موقف</u> تصليح السيارات. «دی ۱۴۰۰» <u>ایستگاه</u> <u>خراب شده</u> (م) خاف هشام من <u>أن يرغبوا</u> فيه. «شهریور ۱۴۰۱» <u>علاقه مند شوند</u> (ن) يتأكد الطائرُ من <u>خداع</u> العدو. «شهریور ۱۴۰۱» <u>نیرنگ (مکر، فریب)</u>	
۲	عين المترادف والمتضاد: (الف) أرى = أشاهد «دی ۹۷» (ب) الطعام = الغذاء «شهریور ۹۸» (ج) الأصدقاء ≠ الأعداء «خرداد ۹۹» (د) اختفاء ≠ ظهور «دی ۹۹» (هـ) أعان = نصر «خرداد ۱۴۰۰» (و) يضحك ≠ يبكي «دی ۱۴۰۰»	
۳	عين الكلمة الغريبة في المعنى: ۱: الف) الجبل (ب) <u>الملف</u> (ج) التراب (د) الحجر «شهریور ۹۸» ۲: الف) السيارات (ب) الجرّارات (ج) <u>الذكريات</u> (د) الحافلات «خرداد ۹۹» ۳: الف) الأصدقاء (ب) الأحياء (ج) الأقرباء (د) <u>الأربعاء</u> «شهریور ۹۹»	

تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ:

(الف) رَأَى دُمُوعَهَا تَسْقُطُ مِنْ أَعْيُنِهَا، فَسَأَلَ مُتَعَجِّبًا. «دی ۹۷ - خرداد ۹۹»

اشک‌هایشان را دید که از چشمانشان فرو می‌ریخت، پس با تعجب پرسید.

(ب) سَمَكَةُ السَّهْمِ تُحِبُّ أَنْ تَأْكُلَ الْفَرَائِسَ الْحَيَّةَ. «دی ۹۷»

ماهی تیرانداز دوست دارد که شکارهای زنده را بخورد.

(ج) كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيْنَ مُبَشِّرِينَ. «خرداد ۹۸ - شهریور ۹۹»

مردم یک امت بودند پس خداوند پیامبران را بشارت‌دهنده فرستاد.

(د) هَذَا السَّمَكُ يَنَامُ نَوْمًا عَمِيقًا أَكْثَرَ مِنْ سَنَةٍ. «خرداد ۹۸»

این ماهی بیشتر از یک سال عمیق می‌خوابد.

(هـ) عِنْدَمَا تَسْقُطُ الْحَشْرَاتُ عَلَى سَطْحِ الْمَاءِ تَبْلَعُهَا حَيَّةٌ. «خرداد ۹۸ - شهریور ۱۴۰۱»

هنگامی که حشرات روی سطح آب می‌افتند آن‌را زنده می‌بلعد.

(و) حِينَ أَرَى الْحُجَّاجَ تَمَرَّ أَمَامَهُ ذِكْرِيَاثِي. «خرداد ۹۸»

هنگامی که حاجیان را می‌بینم خاطراتم از مقابلم می‌گذرند.

(ز) ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ﴾ «شهریور ۹۸»

و سست نشوید و ناراحت نباشید درحالی‌که شما برتر هستید.

(ح) ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا﴾ «دی ۹۸»

فقط سرپرست شما خدا و پیامبرش و کسانی که ایمان آوردند، است.

(ط) يَا بُنَيَّ الْغَارُ يَقَعُ فَوْقَ جَبَلٍ مُرْتَفِعٍ. «خرداد ۹۹»

ای دخترکم غار بالای کوهی بلند واقع است.

(ي) أَنْتَ تَعْلَمِينَ أَنَّ رَجُلِي تُؤْلِمُنِي. «خرداد ۹۹»

تو می‌دانی که پایم درد می‌کند.

(ك) هَذِهِ السَّمَكَةُ تُدَافِعُ عَنْ صَغَارِهَا عِنْدَ الْخَطَرِ. «خرداد ۹۹»

این ماهی از بچه‌هایش هنگام خطر دفاع می‌کند.

(ل) هُوَاةُ أَسْمَاكِ الزَّيْنَةِ مُعْجَبُونَ بِهَذِهِ السَّمَكَةِ. «خرداد ۹۹»

علاقه‌مندان ماهی‌های زینتی از این ماهی درشگفت‌اند.

(م) هَذِهِ السَّمَكَةُ تُحِبُّ أَنْ تَأْكُلَ الْفَرَائِسَ الْحَيَّةَ. «شهریور ۹۹»

این ماهی دوست دارد که شکارهای زنده را بخورد.

(ن) ما هي ذكرياتكما عن الحج؟ أتذكرُ خيامَ الحُجَّاجِ. «شهریور ۹۹» خاطر اتان درباره حج چیست؟ چادرهای حاجیان را به یاد می آورم. (س) أولی آیات القرآن نُزِّلَتْ عَلَى النَّبِيِّ «ص» فِي غَارِ حِرَاءٍ. «شهریور ۹۹» نخستین آیات قرآن در غار حراء بر پیامبر نازل شد. (ع) يُشَجِّعُ الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُمُ الْفَائِزَ فَرِحِينَ. «دی ۹۹» تماشاچیان تیم برنده شان را با شادی تشویق می کنند. (ف) إِنَّهَا تُطَلِّقُ قَطَارَاتِ الْمَاءِ مُتَتَالِيَةً مِنْ فَمِهَا إِلَى الْهَوَاءِ. «دی ۹۹» او قطره های آب را پی در پی از دهانش به هوا رها می کند. (ص) يَا لَيْتَنِي أَذْهَبُ مَرَّةً أُخْرَى إِلَى الْحَجِّ. «خرداد ۱۴۰۰» ای کاش یکبار دیگر به حج بروم. (ق) هَلْ رَأَيْتُمَا غَارَ ثَوْرٍ الَّذِي لَجَأَ إِلَيْهِ النَّبِيُّ «ص»؟ «خرداد ۱۴۰۰ - دی ۱۴۰۰» آیا غار ثور را که پیامبر (ص) به آن پناه برد دیدید؟ (ر) الْغَارُ يَقَعُ فَوْقَ جَبَلٍ مُرْتَفِعٍ لَا يَسْتَطِيعُ صُعُودُهُ إِلَّا الْأَقْوِيَاءُ. «شهریور ۱۴۰۰» غار بالای کوهی بلند واقع است که فقط توانمندان می توانند از آن بالا بروند. (ش) لَكِنَّكَ أَدَّيْتَ فَرِيضَةَ الْحَجِّ فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ. «شهریور ۱۴۰۰» ولی تو فريضه واجب حج را در سال گذشته انجام دادی. (ت) جَلَسَ أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ أَمَامَ التَّلَافُازِ وَهُمْ يُشَاهِدُونَ الْحُجَّاجَ فِي الْمَطَارِ. «دی ۱۴۰۰» اعضای خانواده جلو تلویزیون نشستند در حالی که حاجیان را در فرودگاه می دیدند به حاجیان نگاه می کردند. (ث) رَحَلَ إِلَى خُلَفَاءِ بَنِي أُمَيَّةَ بِالشَّامِ وَ مَدَحَهُمْ وَ نَالَ جَوَائِزَهُمْ. «شهریور ۱۴۰۱» نزد خلفای بنی امیه در شام رفت و آنها را ستود و به جوایز شان دست یافت.	۵ إِنْتَخَبَ الصَّحِيحُ فِي التَّرْجَمَةِ: (الف) كَانَ النَّبِيُّ «ص» يَتَعَبَّدُ فِي غَارِ حِرَاءٍ. «خرداد ۹۸» (۱) پیامبر در غار حراء عبادت می کرد. (ب) أَشَاهَدُ قَاسِمًا وَهُوَ جَالِسٌ بَيْنَ شَجَرَتَيْنِ. «خرداد ۹۹» (۱) قاسم را می بینم در حالی که بین دو درخت نشسته است. (۲) قاسم را دیدم که میان دو درخت نشسته بود. (ج) رَأَيْتُ الْفَلَاحَ وَهُوَ يَجْمَعُ الْمَحْصُولَ. «شهریور ۹۹ - شهریور ۹۸» (۱) کشاورزی را دیدم که محصول را جمع می کند. (۲) کشاورز را دیدم در حالی که محصول را جمع می کرد.
--	---

(د) حِينَهَا أَرَى النَّاسَ يَذْهَبُونَ إِلَى الْحَجِّ تَمَرُّ أُمَامِي ذِكْرِيَايَ. «شهریور ۱۴۰۰» (۱) وقتی مردم را می بینم که به حج می روند خاطراتم از برابرم می گذرند. (۲) وقتی مردم را دیدم که به حج می روند خاطرات از برابرم می گذرند. (ه) يَا لَيْتَنِي أَذْهَبُ مَرَّةً أُخْرَى. «دی ۱۴۰۰» (۱) کاش یک بار دیگر به حج بروم. (۲) کاش بار دوم به حج رفته بودم.	۶ كَمَلِ الْفَرَاعَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: الف) اللَّاعِبُونَ الْإِيرَانِيُّونَ رَجَعُوا مِنَ الْمَسَابِقَةِ مُبْتَسِمِينَ. «دی ۹۷» ب) يَا أَبِي لِمَ تَبْكِي وَقَدْ كُنْتَ فِي الْحَجِّ فِي الْعَامِ الْمَاضِي؟ «شهریور ۹۸» ای پدر چرا <u>گریه می کنی</u>، درحالی که سال <u>گذشته</u> حج بودی؟ ج) أَتَذْكُرُ خِيَامَ الْحَجَّاجِ فِي مَنَى وَعُرَفَاتِ. «دی ۹۸» د) سَأَلَ عَارِفٌ وَالِدَهُ مُتَعَجِّبًا: يَا أَبِي! لِمَ تَبْكِي؟ «دی ۹۹» عارف از پدرش با <u>تعجب</u> پرسید: ای پدر چرا <u>گریه می کنی</u>؟ ه) كَانَ النَّبِيُّ يَتَعَبَّدُ فِي قَمَّةِ غَارِ حِرَاءَ. «خرداد ۱۴۰۰» و) أَنَا أَتَمَنَّى أَنْ أَتَشَرَّفَ مَعَ أَقْرَبَائِي لَزِيَارَةِ مَكَّةَ مُكْرَمَةً مَرَّةً أُخْرَى. «شهریور ۱۴۰۰» من <u>آرزو دارم</u> که یکبار با <u>نزدیکانم</u> به زیارت مکه مشرف شوم. ز) أَنْتِ تَعْلَمِينَ أَنَّ رَجُلِي تَوَلَّيْنِي. «دی ۱۴۰۰» تو می دانی <u>که</u> <u>پایم درد می کند</u>.
انتخاب الصَّحِيحِ مِمَّا بَيْنَ الْقَوْسَيْنِ: الف) الْحَجَّاجُ مَرَّاتٍ حَوْلَ بَيْتِ اللَّهِ لِأَدَاءِ مَنَاسِكَ الْحَجِّ. (يَطْرُقُونَ - يَطْرُدُونَ - يَطُوفُونَ) «دی ۹۷» ب) كُلُّ شَيْءٍ إِذَا كَثُرَ إِلَّا الْأَدَبُ. (تَرْخُصُ - يَرْخُصُ - تَرْخُصُ) «دی ۹۸» ج) أَعْلَى الْجَبَلِ وَرَأْسِهِ. (الْخِيَامُ - الْقِمَّةُ - الْمَشْهَدُ) «خرداد ۹۹» د) فَعَلَ الْأَمْرَ مِنْ «تَذَكَّرَ». (ذَكَرَ - تَذَكَّرَ - أَذْكَرَ) «خرداد ۹۹» ه) سَيَّارَةٌ نَسْتَعْدِمُهَا لِلْعَمَلِ فِي الْمَزْرَعَةِ. (الْجَرَّارَةُ - الْمُعْطَلُ - الْمَوْقِفُ) «شهریور ۹۹»	۸ ترجم الأفعال و الكلمات التالية: ۱: ذكر: یاد کرد الف) لَا تَذْكُرْ: (یاد نکن) ب) لَيْتَهُ يَذْكُرُ: (یاد کند) «دی ۹۷» ۲: عامل: رفتار کرد الف) قَدْ عَامَلْتُ جَيِّدًا: (رفتار کرده ای) ب) إلهي لَا تُعَامِلْنَا بِعَدْلِكَ: (رفتار نکن) «دی ۹۸» ۳: امتنع: خودداری کرد الف) كَانَ قَدْ امْتَنَعَ: (خودداری کرده بود) ب) لَا تَمْتَنِعُوا: (خودداری نکنید) ج) لَا يَمْتَنِعُونَ: (خودداری نمی کنند) د) الامتناع: (خودداری کردن) «خرداد ۹۹» ۴: عامل: رفتار کرد الف) كَانُوا يُعَامِلُونَ جَيِّدًا: (رفتار می کردند) ب) إلهي لَا تُعَامِلْ بِعَدْلِكَ: (رفتار نکن) «شهریور ۹۹» ج) الْمُعَامَلَةُ: (رفتار کردن)

۵: ذکر: یاد کرد (الف) <u>أَذْكُرُوا</u> ربکم (یاد کنید) (ب) <u>قَدْ يَذْكُرُ</u> جَدِّي صديقَه. (گاهی یاد می کند) (ج) <u>أَنْتُمْ مَا ذَكَّرْتُمْ</u> صديقکم. (یاد نکردید) «شهریور ۱۴۰۰» ۶: تَذَكَّرَ: به یاد آورد (الف) <u>مَا تَذَكَّرْتُمْ</u> صديقکم. (به یاد نیاوردید) (ب) <u>سَتَذْكُرُ</u> الدرس. (به یاد خواهیم آورد) (ج) <u>لَيَتَذَكَّرُ</u> درسه «دی ۱۴۰۰» (باید به یاد بیاورد)	۹ تعیین نوع الكلمات: (اسم الفاعل - اسم المفعول - اسم المبالغة - اسم التفضيل و اسم المكان (الف) <u>أَتَمَنَّى أَنْ أَتَشَرَّفَ إِلَى مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ</u>. «دی ۹۷» اسم مفعول (ب) <u>إِنَّهُ رَجُلٌ صَبَّارٌ وَ مُحْتَرَمٌ</u>. «خرداد - دی ۹۸ - شهریور ۱۴۰۰» اسم مبالغة (ج) <u>كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ</u> «خرداد ۹۸» اسم فاعل (د) <u>أَخَذَ السَّيَّارَةَ إِلَى الْمَوْقِفِ التَّصْلِيحِ</u>. «دی ۹۸» اسم مكان (هـ) <u>شَاهَدْنَا مَانِعًا فِي الطَّرِيقِ</u>. «خرداد ۹۹» اسم فاعل (و) <u>رَأَيْتُ الْمُهَنْدِسَ فِي الْمَصْنَعِ وَ هُوَ يَرْكَبُ السَّيَّارَةَ</u>. «شهریور ۹۹» اسم فاعل - اسم مكان - اسم مبالغة (ز) <u>شَاهَدَ جَمَاعَةٌ أَمَامَ مَسْجِدِ الْقَرْيَةِ</u>. «دی ۹۹» اسم مكان (ح) <u>أَنَّهُمْ مِنْ أَغْرَبِ الْأَسْمَاكِ</u>. «دی ۹۹ - شهریور ۱۴۰۰» اسم تفضيل (ط) <u>كُلُّ مُسْلِمٍ حِينَما يَتَذَكَّرُ مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ يَشْتَأِقُ أَنْ يَزُورَهَا</u>. «شهریور ۱۴۰۰» اسم فاعل - اسم مفعول (ی) <u>وَالِدِي حِينَما يُشَاهِدُ هَذَا الْمَشْهَدَ يَشْتَأِقُ إِلَى زِيَارَةِ مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ مَرَّةً أُخْرَى</u>. «دی ۱۴۰۰» اسم فاعل اسم مكان اسم مفعول
۱۰ عَيْنَ الْمَحَلِّ الإعرابی: (الف) ﴿فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِينَ مُبَشِّرِينَ﴾ «دی ۹۷» (ب) <u>وَصَلَ الْمَسَافِرُونَ إِلَى الْمَطَارِ مُتَأَخِّرِينَ</u>. «خرداد ۹۹» مفعول حال (ج) ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ «شهریور ۹۹» (د) <u>أَقْوَى النَّاسِ مَنْ إِنْتَصَرَ عَلَى غَضَبِهِ سَهْلًا</u>. «شهریور ۹۹» مبتدا خبر مضاف الیه حال (هـ) <u>وَقَفَ الْمُهَنْدِسُ الشَّابَّ فِ الْمَصْنَعِ مُبْتَسِمًا</u>. «دی ۹۹» صفت حال	۱۱ ضَعِ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَاتِ الْمُنَاسِبَةَ: «الْمَطَارُ - مُتَتَالِيَةً - الْجَرَّارَةُ - الْمَوْقِفُ - الْمُعْطَلَةُ - غَارُ حِرَاءَ» (الف) <u>كَانَ أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ يُشَاهِدُونَ الْحُجَّاجَ فِي الْمَطَارِ</u>. «دی ۹۷» (ب) <u>أَنَّهُ تَطَلَّقَ قَطَارَاتُ الْمَاءِ مُتَتَالِيَةً مِنْ فَمِهَا إِلَى الْهَوَاءِ</u>. «شهریور ۹۸» (ج) <u>الْجَرَّارَةُ سَيَّارَةٌ نَسْتَعْدِمُهَا لِلْعَمَلِ فِي الْمَزْرَعَةِ</u>. «خرداد ۹۹»

۹۹	(د) <u>الموقف</u> مكانٌ لوقوف السيارات والحافلات. «شهریور ۹۹» (هـ) <u>المعطلة</u> صفةٌ لجهازٍ أو آلةٍ بحاجةٍ إلى التصليح. «دی ۹۹» (و) نزل القرآن على النبي ﷺ في <u>غار حراء</u> . «دی ۱۴۰۰»
۱۲	میز فی العبارات: الحال (الف) ﴿خلق الإنسان <u>ضعيفاً</u> ﴾ «خرداد ۹۸» (ب) وقف المهندس الشاب في المصنع <u>مبتسماً</u> . «شهریور ۹۸» حال حال (ج) ﴿ولا تهنوا ولا تحزنوا و <u>أنتم الأعلون</u> ﴾ «دی ۹۸» (د) رأيتُ الولدَ <u>مسروراً</u> . «دی ۹۹» حال حال (هـ) يبقى المحسنُ <u>حيّاً</u> وإن نُقل إلى منازل الأموات. «خرداد ۱۴۰۰» (و) الطالبانِ تقرأنِ دروسهما <u>مجدّتين</u> . «شهریور ۱۴۰۰» حال حال (ز) اللاعبون الإيرانيون رجّعوا من المسابقة <u>مبتسمين</u> . «دی ۱۴۰۰» حال حال (ر) ﴿بعث الله النبيين <u>مبشرين</u> ﴾ «خرداد ۱۴۰۱» حال حال
۱۳	اقرأ النصّ التالي ثمّ أجب عن الأسئلة التالية (۱) جلس أعضاء الأسرة أمام التلفاز. يشاهدون الحجاج في المطار. نظر عارف إلى والديه فسألها متعجباً. «دی ۹۹» الف) أين جلس أعضاء أسرته؟ <u>أمام التلفاز</u> (ب) من نظر إلى والديه؟ <u>نظر عارف إلى والديه</u> _____ (۲) السيد مسلمي مزارع. هو يسكن في قرية بطرود بمحافظة مازندران. في يوم شاهد جماعة من المسافرين واقفين أمام مسجد القرية. فسألهم عن سبب وقوفهم، فقالوا: «إن سيارتنا معطلة» «خرداد ۹۹» الف) أين يسكن السيد مسلمي؟ <u>في قرية بطرود بمحافظة مازندران.</u> (ب) لماذا وقف المسافرون أمام مسجد القرية؟ <u>لأن سيارتهم كانت معطلة.</u> (ج) اكتب جمع «القرية»: <u>القرى</u> (د) من هو السيد مسلمي؟ <u>مزارع</u> _____ (۳) جلس أعضاء أسرته أمام التلفاز. يشاهدون الحجاج في المطار. نظر عارف إلى والديه وقال لأُمّه: هل رأيت الغار، يا أمّاه؟ قالت الأمّ: لا، يا بني! الغار يقع فوق جبل مرتفع. «شهریور ۹۹» الف) ماذا قال عارف؟ <u>هل رأيت الغار؟</u> (ب) أين يقع الغار؟ <u>يقع فوق جبل مرتفع.</u>

	(ج) اُکْتُبْ جمع «جَبَل»: جبال (د) مَنْ نَظَرَ إِلَى أُمِّهِ؟ نَظَرَ عَارِفٌ إِلَى أُمِّهِ. (۴) سَمَكَةُ التِّلْيَا مِنْ أَغْرَبِ الْأَسْمَاكِ تُدَافِعُ عَنْ صِغَارِهَا وَهِيَ تَسِيرُ مَعَهَا. إِنَّهَا تَعِيشُ فِي شَمَالِ أَفْرِيقِيَا وَ يَبْلَعُ صِغَارَهَا عِنْدَ الْخَطَرِ ثُمَّ تُخْرِجُهَا بَعْدَ زَوَالِ الْخَطَرِ. (الف) أَيْنَ سَمَكَةُ التِّلْيَا؟ فِي شَمَالِ أَفْرِيقِيَا (ب) مِمَّنْ تُدَافِعُ السَّمَكَةُ؟ عَنْ صِغَارِهَا
۱۴	عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَالْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ: «الْعِدَاوَةُ تَذْهَبُ سَرِيعَةً عِنْدَ وَقُوعِ الْمَصَائِبِ». «شهریور ۹۹» (الف) تَذْهَبُ: (۱) <u>فَعْلٌ مُضَارِعٌ، مَعْلُومٌ / خَبَرٌ</u> (۲) فَعْلٌ مُضَارِعٌ، مَجْهُولٌ / فَاعِلٌ (ب) الْمَصَائِبُ: ۱- اسمٌ، مفردٌ، مؤنثٌ، معرّفٌ بِأَلٍ / مفعول (۲) <u>اسمٌ، جمعٌ تكسیر، مفرد «المُصِيبَةُ»، معرّفٌ بِأَلٍ / مُضَافٌ إِلَيْهِ</u> «الْإِمَامُ طَافَ بِالْبَيْتِ طَوَافَ الْأَعْظَمِ». «شهریور ۱۴۰۱» (ألف) طَافَ: (۱) <u>فَعْلٌ مَاضٍ، مَعْلُومٌ / خَبَرٌ</u> (۲) فَعْلٌ مَاضٍ، مَعْلُومٌ / فَعْلٌ وَ فَاعِلُهُ (ب) الْأَعْظَمُ: (۱) <u>اسمٌ تَفْضِيلٌ، جمعٌ تَكْسِيرٌ وَ مَفْرُودُهَا الْأَعْظَمُ / مُضَافٌ إِلَيْهِ</u> ۲: اسمٌ، جمعٌ، مذکر، معرفٌ بِأَلٍ / صِفَةٌ
۱۵	عَيْنَ: الْفَاعِلُ وَالصِّفَةُ: يَشْتَغَلُ الْعَمَالُ الْمُجْتَهِدُونَ فِي الْمَزْرَعَةِ. فاعل صفت
۱۶	عَيْنَ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَاءِ: (الف) مَكَانٌ لَوُقُوفِ السَّيَّارَاتِ وَ الْحَافِلَاتِ يُسَمَّى الْجَرَّارَةُ. «دی ۹۹» خطاء (ب) الْقَمَّةُ مَكَانٌ لَوُقُوفِ السَّيَّارَاتِ وَ الْحَافِلَاتِ. «شهریور ۱۴۰۰» خطاء (ج) الْجَرَّارَةُ مَكَانٌ لَوُقُوفِ السَّيَّارَاتِ وَ الْحَافِلَاتِ. «دی ۱۴۰۰» خطاء

أَرْجُو مِنَ اللَّهِ التَّوْفِيقَ.

رشته: ریاضی و فیزیک - علوم تجربی	سؤالات امتحان نهایی: عربی زبان قرآن ۳	پایه: دوازدهم دوره دوم متوسطه
الدرس الثالث	عنوان درس: الکُتُبُ طعامُ الفِکرِ	تنظیم کننده: افسانه باقری - طیبه عباسی
ردیف	شرح سؤالات	
۱	ترجم الکلمات التي تحتها خط: (الف) <u>إنَّ العقَّادَ صحفِيَّ</u>. «دی ۹۷» (<u>روزنامه‌نگار</u>) (ب) <u>هُوَ واثِقٌ</u> <u>أَنَّكَ تُشَبِّهُ الآخِرِينَ</u>. «خرداد ۹۸» (<u>مطمئن</u>) (ج) <u>هذا العملُ أمتعُ من قراءةِ الكتابِ</u>. «دی ۹۸» (<u>لذت بخش تر</u>) (د) <u>عینٌ سَهَرَتْ في سبيلِ الله</u>. «شهریور ۹۸» (<u>بیدار ماند</u>) (ه) <u>وُلِدَ في أسوان و نَشَأَ فيها</u>. «خرداد ۹۹» (<u>پرورش یافت</u>) (و) <u>أريدُ أن أقرأ آراءَ الکُتَّابِ</u>. «شهریور ۹۹» (<u>نویسندگان</u>) (ز) <u>سقوطُ الفِراخِ مشهدٌ مُرِعبٌ</u>. «دی ۹۹» (<u>ترسناک</u>) (ح) <u>العقَّادُ صحفِيٌّ و شاعرٌ مصريٌّ</u>. «خرداد ۱۴۰۰» (<u>روزنامه‌نگار</u>) (ط) <u>رُبَّ کتابٍ يتصفَّحُه قارئُه</u>. «شهریور ۱۴۰۰» (ی) <u>التَّجَارِبُ لِاتِّغْنِينَا عن الکُتُبِ</u>. «دی ۱۴۰۰» <u>سریع ورق می‌زند، سریع مطالعه می‌کند</u> <u>ما را بی‌نیاز نمی‌کند</u>	
۲	عین المترادف و المتضاد: (الف) <u>يَرُخِّصُ ≠ يَغْلُو</u> «دی ۹۸» (ب) <u>الصَّغارُ ≠ الکِبَارُ</u> «خرداد ۹۸» (ج) <u>غَلَا ≠ رَخَّصَ</u> «شهریور ۹۸» (د) <u>الطَّعامُ = الغِذاءُ</u> «شهریور ۹۸» (ه) <u>يَصْغُرُ ≠ يَكْبُرُ</u> «دی ۱۴۰۰» (و) <u>واثِقٌ = مُطْمَئِنٌّ</u> «دی ۹۹»	
۳	عین الكلمة الغريبة في المعنى: (الف) السَّرِوال الثَّوب <u>الوِاثِقُ</u> القَمِيص «دی ۹۷» (ب) العُش الطَّائر <u>الفُنْدُقُ</u> الفَراخ «خرداد ۱۴۰۰» (ج) (۱) الملعب (۲) المدرسه (۳) <u>الشَّلالُ</u> (۴) الموقف «خرداد ۱۴۰۱» (د) (۱) الفضه (۲) الحديد (۳) <u>الطِينَةُ</u> (۴) النحاس «شهریور ۱۴۰۱»	
۴	أكتب جمع الكلمة التي تحتها خط: (الف) الظَّرَف (جمع): الظُّرُوفُ «شهریور ۱۴۰۰» (ب) الکُتَّاب (مفرد): الکَاتِبُ «خرداد ۹۸»	
۵	ترجم العبارات إلى الفارسية: (الف) ﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَهُوَ﴾ «دی ۹۷ و ۹۸ - شهریور و دی ۹۹» و زندگی دنیا بازی و سرگرمی است. (ب) الکتابُ المفیدُ فهو الَّذي یزیدُ معرفتک فی الحَیاهِ. «دی ۹۷» کتاب سودمند آن است که شناخت تو را در زندگی افزایش دهد.	

ج) ﴿فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾ «دی ۹۷ - شهریور و دی ۹۹»

پس فرشتگان همگی سجده کردند به جز ابلیس که تکبر ورزید و از کافران شد.

د) كُلُّ شَيْءٍ يَرُخَّصُ إِذَا كَثُرَ إِلَّا الْأَدَبُ. «خرداد ۹۸ - شهریور ۹۹»

هر چیزی هرگاه زیاد می شود ارزان می شود جز ادب.

هـ) لَا تُشَاهِدُ فِي حَيَاتِهِ إِلَّا النَّشَاطَ عَلَى رَغَمِ الظُّرُوفِ الْقَاسِيَةِ. «خرداد ۹۸ - خرداد ۱۴۰۰»

با وجود شرایط دشوار، در زندگی اش جز فعالیت نمی بینیم. (به صورت مثبت و مؤکد نیز صحیح است).

و) هَذَا الْعَمَلُ أَمْتَعُ وَأَنْفَعُ مِنْ قِرَاءَةِ الْمَوْضُوعَاتِ الْمُتَعَدِّدَةِ. «شهریور ۹۸»

این کار لذت بخش تر و سودمندتر از خواندن موضوعات مختلف است.

ز) ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ «شهریور ۹۸ - خرداد ۱۴۰۱»

به درستی که انسان در زیان است مگر کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند.

ح) ﴿لَا يَأْسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ «خرداد ۹۹»

از رحمت خدا ناامید نمی شود مگر قوم کافر.

ط) يُقَالُ إِنَّ الْعَقَادَ قَرَأَ آلاَفَ الْكُتُبِ. «خرداد ۹۹»

گفته می شود که عقاد هزاران کتاب را خوانده است (خواند).

ی) لَا يُمْكِنُ أَنْ تَبْلُغَ تَجَرُّبَةَ الْفَرْدِ الْوَاحِدِ أَكْثَرَ مِنْ عَشْرَاتِ السَّنِينَ. «خرداد ۹۹»

ممکن نیست که تجربه یک فرد به بیش از ده ها سال برسد.

ک) الْإِنْسَانُ الْعَاقِلُ يَجِدُ غِذَاءً فِكْرِيًّا فِي كُلِّ مَوْضُوعٍ. «شهریور ۹۹ - خرداد ۱۴۰۱»

انسان دانا در هر موضوعی خوراکی فکری می یابد.

ل) أَعْتَقِدُ أَنَّ الْفِكْرَةَ الْوَاحِدَةَ إِذَا طَرَحَهَا أَلْفُ كَاتِبٍ، أَصْبَحَتْ أَلْفُ فِكْرَةٍ. «دی ۹۹»

من معتقدم که یک اندیشه را اگر هزار نویسنده مطرح کنند هزار اندیشه می شود.

م) عِنْدَمَا تَكْبُرُ فِرَاخُهُ، يُرِيدُ مِنْهَا أَنْ تَقْفِزَ مِنْ عَشَّهَا الْمُرْتَفِعِ. «دی ۹۹»

هنگامی که جوجه هایش بزرگ می شوند از آنها می خواهد که از لانه بلندشان بپرند.

ن) الْجِسْمُ الْقَوِيُّ يَجْذِبُ غِذَاءً مَنَاسِبًا لِنَفْسِهِ. «خرداد ۱۴۰۰»

بدن قوی غذای مناسبی را برای خود جذب می کند.

س) الْإِنْسَانُ الْعَاقِلُ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَجِدَ غِذَاءً فِكْرِيًّا فِي كُلِّ مَوْضُوعٍ. «شهریور ۱۴۰۰ - خرداد ۱۴۰۱»

انسان عاقل می تواند غذای فکری هر موضوعی را بیابد.

ع) کل کتاب قد و صف نابلیون بأوصاف. «شهریور ۱۴۰۰» هر نویسنده ای ناپلئون را به صفت هایی توصیف کرده است. ف) العلم صید و الكتابة قید فقیّدوا العلم بالكتابة «شهریور ۱۴۰۰» دانش شکار است و نوشتن بند. پس دانش را با نوشتن به بند آورید. ص) فما اعتمد العقاد إلا على نفسه. «دی ۱۴۰۰» عقاد جز به خودش اعتماد نکرد. (فقط به خودش اعتماد کرد). س: الكتاب المفيد يزيد معرفتك في الحياة. «دی ۱۴۰۰» کتاب مفید شناخت و معرفت تورا در زندگی افزایش می دهد. ق) إذا كان لك فكر قادر تستطيع به أن تفهم ما تقرأ. «دی ۱۴۰۰ - خرداد ۱۴۰۱» اگر فکر توانایی داشته باشی به وسیله آن می توانی آن چه را می خوانی، بفهمی. ر) رب كتاب يتصفح قارئه فيؤثر في نفسه تأثيراً عميقاً. «دی ۹۸ - خرداد ۱۴۰۱» چه بسا کتابی که خواننده اش آن را سریع می خواند و در وجودش اثر عمیقی به جای می گذارد. ش) سقوط الفراع من الجبل مشهد مرعب. «دی ۹۸» افتادن جوجه ها از کوه صحنه ای ترسناک است. ت) ﴿يا أيُّها النفس المطمئنة إرجعي إلى ربك﴾ «خرداد ۱۴۰۱» ای نفس آرامش یافته به سوی پروردگارت بازگرد. ث) أحضروا إبراهيم (ع) فقفوه في النار، ثم أنقذه الله فيها. «شهریور ۱۴۰۱» ابراهیم (ع) را آوردند و در آتش افکندند سپس خداوند او را از آن نجات داد.	۶ إنتخب الصحيح في الترجمة: الف) لا فرار منه، لأنه قسم من حياته. «خرداد ۹۸» ۱) هیچ گریزی از آن نیست، زیرا آن بخشی از زندگی اش است. ۲) او راه فراری ندارد، زیرا آن قسمتی از زندگی است. ب) لا أظن أن هناك كتباً مكررة. «شهریور ۹۸ - شهریور ۱۴۰۰» ۱) گمان نمی کنم آنجا کتاب تکراری باشد. ۲) گمان نمی کنم کتابهای تکراری وجود داشته باشد. ج) عندما يتأكد الطائر من خداع العدو و إنقاذ فراخه، يطير. «دی ۹۹» ۱) هنگامی که این پرنده از فریب دشمن و نجات جوجه هایش مطمئن می شود، پرواز می کند.
--	--

(۲) هنگامی که این پرنده از فریب دشمنان و نجات زندگی جوجه‌هایش مطمئن می‌شود، پرواز می‌کند. (د) ما استطاعت أَسْرَتُهُ أَنْ تُرْسِلَهُ إِلَى الْقَاهِرَةِ لِتَكْمِيلِ دَرَاكِتِهِ. «خرداد ۱۴۰۰» <u>(۱) خانواده‌اش نتوانست که برای تکمیل تحصیلش او را به قاهره بفرستد.</u> (۲) خانواده‌اش نمی‌تواند برای تکمیل تحصیل او را به قاهره بفرستد. (هـ) كَانَ الْعَقَادُ مِنْ أَهَمِّ الْكُتَابِ فِي مِصْرَ. «دی ۱۴۰۰» (۱) عقاد مهم‌ترین نویسنده در مصر بود. <u>(۲) عقاد از مهم‌ترین نویسندگان در مصر بود.</u> (ز) ﴿وَمَا الْحَيَاءُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَهَوٌ﴾ «شهریور ۱۴۰۱» <u>(۱) زندگی دنیا فقط بازیچه و سرگرمی است.</u> (۲) زندگی دنیا بازیچه و سرگرمی نیست. (ح) بَلْ تَرَاهُمْ خَلَقُوا مِنْ طِينَةٍ. «خرداد ۱۴۰۱» <u>(۱) بلکه آنان را می‌بینی از تکه گلی آفریده شده‌اند.</u> (۲) بلکه آنان را می‌بینی که تکه گلی آفریدند.	
كَمَّلَ الْفَرَاعَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: (الف) إِذَا وَجَدْتَ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ، كَانَ جَدِيرًا بِالْعِنَايَةِ وَالتَّقْدِيرِ. «شهریور ۹۸» اگر آن را در کتابی <u>بیابی</u>، <u>شایسته</u> توجه و قدردانی است. (ب) لَا يُمْكِنُ أَنْ تَبْلُغَ تَجْرِبَهُ الْفَرْدِ الْوَاحِدِ أَكْثَرَ مِنْ عَشْرَاتِ السِّنِينَ. «دی ۹۸» امکان ندارد که تجربه یک فرد به بیش از <u>ده</u> سال <u>برسد</u>. (ج) يَنْتَظِرُ الْوَالِدَانِ أَسْفَلَ الْجَبَلِ وَيَسْتَقْبِلَانِ فِرَاخَهُمَا. «خرداد ۹۹» پدر و مادر <u>پایین</u> کوه چشم به راه می‌شوند و به پیشواز <u>جوجه‌های</u> شان می‌روند. (د) هُنَاكَ طَائِرٌ يُسَمَّى «بِرْنَاكُل» يَبْنِي عُشَّهُ فَوْقَ جِبَالٍ مُرْتَفَعَةٍ. «شهریور ۹۹» پرنده‌ای وجود دارد که «برناکل» <u>نامیده می‌شود</u> او لانه‌اش را بر فراز کوه‌هایی <u>بلند</u> می‌سازد. (هـ) الْكُتُبُ تَجَارِبُ الْأُمَمِ عَلَى مَرَّ آلَافِ السِّنِينَ. «خرداد ۱۴۰۰» کتاب‌ها تجربه‌های <u>امت‌ها</u> در گذر <u>هزاران</u> سال هستند. (و) فَنَصَبَ لَهُ مَنبَرٌ وَجَلَسَ عَلَيْهِ جُلُوسَ الْأُمَرَاءِ. «شهریور ۱۴۰۱» منبری برایش <u>برپا شد</u> و بر روی آن <u>مانند</u> پادشاهان نشست.	۷

ز) قالوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ. «خرداد ۱۴۰۱» گفتند: او را <u>بسوزانید</u> و خدایانتان را <u>یاری کنید</u>. ح) تَعَلَّمَ الْإِنْجِلِيزِيَّةَ مِنَ السِّيَّاحِ فِي مَحَافِظَةِ أُسْوَانَ. «خرداد ۱۴۰۱» انگلیسی را از <u>گردشگران</u> در <u>استان</u> أُسْوَانَ یاد گرفت. ط) ما أُرْسِلَتْهُ أُسْرَتُهُ إِلَى الْقَاهِرَةِ لِتَكْمِيلِ دِرَاسَتِهِ. «شهریور ۱۴۰۱» خانواده اش او را برای تکمیل <u>تحصیلش</u> به قاهره <u>نفرستاد</u>.	
۸. اِنْتَخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ: الف) الْأَصْدِقَاءُ عَلَى أَنْفُسِهِمْ. «خرداد ۹۸» ۱- تَعْتَمِدُونَ ۲- <u>يَعْتَمِدُونَ</u> ۳- يَعْتَمِدْنَ ب) مَا شَاهَدْتُ فِي الْمَكْتَبَةِ إِلَّا فَاطِمَةَ. «دی ۹۷» ۱- مشاهده می کردم ۲- <u>مشاهده نکردم</u> ۳- مشاهده نمی کنم ج) وَعَاءٌ جَمِلاً مِنْ خَشَبٍ شَجَرَهُ الْجُوزُ. «دی ۹۷» ۱- <u>صَنَعْتُ</u> ۲- رَكِبْتُ ۳- أَكَلْتُ هـ) كُنْتُ أُمْشِي، رَأَيْتُ حَادِثًا فِي سَاحَةِ الْمَدِينَةِ. «شهریور ۹۹» ۱- عِنْدَ ۲- جَانِبًا ۳- <u>بَيْنَمَا</u> و) سِعْرُ الْعِنَبِ فِي نِهَائِهِ الصَّيْفِ بِسَبَبِ وَفُورِهِ فِي السُّوقِ. «شهریور ۹۹» ۱- يَغْلُو ۲- <u>يَرْخُصُ</u> ۳- يَكْثُرُ ز) الْعَمَالُ الْمُجْتَهِدُونَ فِي الْمَصْنَعِ. «شهریور ۹۸» ۱- <u>يَشْتَغِلُونَ</u> ۲- تَشْتَغِلُونَ ۳- يَشْتَغِلْنَ ح) بَكَمَاءَ لَيْسَتْ لَهَا أَحْبَابٌ صَوْتِيَّةٌ. «خرداد ۹۹» ۱- النَّمْلُ ۲- الْحَفَّاشُ ۳- <u>الزَّرَافَةُ</u> ط) كَانَ <u>جَدِيرًا</u> بِالْهَعْنَايَةِ وَالتَّقْدِيرِ. «شهریور ۹۹» ۱- مَطْمَئِنَ ۲- <u>شَايِسْتَه</u> ۳- دَشْوَار ی) الْبِرْنَاكِلُ يَبْنِي فَوْقَ جِبَالٍ مُرْتَفَعَةٍ. «خرداد ۹۸»	

۱- العُشَّ	۲- الحُشْب	۳- الحَدِيدُ
۹	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ: الف) تَكَلَّمَ: سخن گفت «خرداد ۹۸» ۱- مَنْ يَتَكَلَّمُ فِي الْإِمْتِحَانِ يَخْسِرُ. (سخن می گوید) ۲- إِنَّا قَدْ تَكَلَّمْنَا مَعَ الطَّبِيبِ عَنْ مَرَضِهِ. (سخن گفته ایم) ب) جَالَسَ: هم نشینی کرد «خرداد ۹۸» ۱- يَا رَجُلَ لَا تُجَالِسُوا الْأَشْرَارَ. (هم نشینی نکنید) ۲- هُوَ لَنْ يُجَالِسَ الْأَعْدَاءَ. (هم نشینی نخواهد کرد) ج) نَجَحَ: موفق شد «شهریور ۹۸» ۱- لَيَنْجَحَ: (باید موفق شود) ۲- سَوْفَ يَنْجَحُ: (موفق خواهد شد) د) شَاهَدَ: مشاهده کرد «شهریور ۹۸» ۱- لَنْ يُشَاهِدَ: (مشاهده نخواهد کرد) ۲- أَشَاهَدُ: (مشاهده می کنم) هـ) انْتَقَلَ: جابجا شد «دی ۹۸» ۱- يَا رَجُلَ، رَجَاءَ انْتَقِلُوا. (جابجا شوید) ۲- هُمْ سَيَنْتَقِلُونَ إِلَى مَكَانٍ أُخْرَى. (جابجا خواهند شد) و) اجْتَهِدَ: تلاش کرد «خرداد ۹۹» ۱- هُمْ لَنْ يَجْتَهِدُوا. ۲- نَحْنُ لِنَجْتَهِدُ. ۳- هِيَ مَا اجْتَهِدَتْ. ۴- الْاجْتِهَادُ تلاش نخواهند کرد باید تلاش کنیم تلاش نکرد تلاش کردن ز) سَاعَدَ: کمک کرد «شهریور ۹۹» ۱- هُمْ لَنْ يُسَاعِدُوا. ۲- أَنْتَ لَا تُسَاعِدِي. ۳- أَنَا سَاعَدْتُ. ۴- هُوَ لَيْسَاعِدُ. کمک نخواهند کرد کمک نکن کمک کردم باید کمک کند ح) أَرْسَلَ: فرستاد «شهریور ۹۹» ۱- مَا أَرْسَلَ. (نفرستاد) ۲- أَرْسَلَ. (بفرست) ۳- لَيُرْسِلُ. (باید بفرستد) ط) سَتَرَ: پوشاند «خرداد ۱۴۰۰» ۱- إِنَّ اللَّهَ سَتَارُ الذُّنُوبِ. (بسیار پوشاننده) ۲- كَانَ قَدْ سَتَرَ عَلَى وَجْهِهِ. (پوشانده بود) ۳- مَا سَتَرَ وَجْهَهُ. (نپوشاند) ی) اجْتَهِدَ: تلاش کرد «خرداد ۱۴۰۰» ۱- لَمْ يَجْتَهِدْ فِي عَمَلِهِ. (تلاش نکرد) ۲- هُوَ قَدْ يَجْتَهِدُ. (گاهی تلاش می کند) ۳- مِنْ فَضْلِكُمْ اجْتَهِدُوا. (تلاش کنید) ک) أَرْسَلَ: فرستاد «شهریور ۱۴۰۰» ۱- لَيُرْسِلُ جَوَابَهُ. (باید بفرستد) ۲- هُوَ مُرْسِلُ هَذِهِ الرَّسَالَةِ. (فرستنده) ۳- هُمْ يُرْسِلُونَ الْخَبَرَ. (می فرستند)	

(ر) امتنع: خودداری کرد «خرداد ۱۴۰۱» (۱) الطالبُ كان يمتنع عن النوم. (خودداری می کرد) (۲) من فضلك، امتنع عن الأكل. (خودداری کن) (ز) رخص: ارزان شد «شهریور ۱۴۰۱» (۱) الأدبُ لَن يَرُخَّصُ إذا كَثُرَ. (ارزان نخواهد شد) (۲) أسعار البضائع كانت قد رخصت بعض التخفيض. (ارزان شده بود)	
۱۰ الف) اِبْحَثْ عَنِ الْأَسْمَاءِ الثَّلَاثَةِ فِي الْجُمْلَةِ: (إِسْمُ الْفَاعِلِ، إِسْمُ الْمَفْعُولِ، إِسْمُ التَّفْضِيلِ، إِسْمُ الْمُبَالِغَةِ وَ إِسْمُ الْمَكَانِ) (۱) يَذْهَبُ الصَّيَّادُونَ إِلَى مَكَانٍ اخْتِفَاءً. «دی ۹۷» (اسم مبالغه) (۲) فَقَدْ أَضَافَ إِلَى الْمَكْتَبَةِ الْعَرَبِيَّةِ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ كِتَابٍ. «دی ۹۷ - شهریور ۹۸ - خرداد ۹۹» (اسم مکان - اسم تفضیل) (۳) سَقُوطُ الْفِرَاحِ مَشْهَدٌ مُرْعِبٌ. «خرداد ۹۸» (اسم فاعل) (۴) الْعَقَّادُ أَدِيبٌ وَ مُفَكِّرٌ مِصْرِيٌّ، قَرَأَ فِي الْمَوْضُوعَاتِ الْكَثِيرَةِ. «شهریور ۹۸» (اسم فاعل) (۵) الْجِسْمُ الْقَوِيَّ يَجْذِبُ غِذَاءً مُنَاسِبًا. «دی ۹۸» (اسم فاعل) (۶) الْعَقَّادُ مِنْ أَهَمِّ الْكُتَّابِ فِي مِصْرَ. «دی ۹۸» (اسم تفضیل) (۷) لَا أَظُنُّ أَنَّ هُنَاكَ كُتُبًا مَكْرَرَةً. «خرداد ۹۹» (اسم مفعول) (۸) شَاهَدْنَا مَانِعًا فِي الطَّرِيقِ. «خرداد ۹۹» (اسم فاعل) (۹) اشْتَدَّ الْإِزْدِحَامُ أَمَامَ الْمَلْعَبِ الرِّيَاضِيِّ. «خرداد ۱۴۰۰» (اسم مکان) (۱۰) الطَّبَّاحُ وَضَعَ الطَّعَامَ عَلَى الْمِنْضَدَةِ. «خرداد ۱۴۰۰» (اسم مبالغه) (۱۱) زَمِيلَتُهُ الْفَهَامَةُ تَشْتَغَلُ فِي الْمَكْتَبَةِ. «شهریور ۱۴۰۱» (اسم مکان) ب) تَرَجِّمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (۱) هَذَا الْعَمَلُ أَمْتَعُ مِنْ قِرَاءَةِ الْمَوْضُوعَاتِ الْمُتَعَدِّدَةِ. «دی ۹۷ - خرداد ۱۴۰۰» (لذت بخش تر) (۲) لَا يُمْكِنُ أَنْ تَبْلُغَ تَجَرِبَةُ الْفَرْدِ الْوَاحِدِ أَكْثَرَ مِنْ عَشْرَاتِ السَّنِينَ. «خرداد ۹۸» (بیشتر) (۳) أَنَّ النَّفْسَ لَا تَمَارُهُ بِالسَّوَاءِ. «خرداد ۹۹» (بسیار امر کننده) (۴) أَضْعَفُ النَّاسِ مَنْ ضَعُفَ عَنْ كِتَابِنِ سِرِّهِ. «خرداد ۹۹» (ضعیف ترین) (۵) طَلَبُ الْحَاجَةِ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا أَشَدُّ مِنَ الْمَوْتِ. «شهریور ۹۹» (سخت تر) (۶) أَكْبَرُ الْحَقِّ الْأَغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَ الذَّمِّ. «دی ۹۹» (بزرگترین) (۷) أَضَافَ إِلَى الْمَكْتَبَةِ الْعَرَبِيَّةِ مِئَةَ كِتَابٍ. «دی ۹۹» (کتابخانه) (۸) أَقْرَأَ فِي حَيَاهِ نَابِلْيُونِ آراءَ ثَلَاثِينَ كَاتِبًا. «خرداد ۱۴۰۰» (نویسنده) (۹) قَدْ أَضَافَ الْعَقَّادُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ الْعَرَبِيَّةِ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ كِتَابٍ. «شهریور ۱۴۰۰» (کتابخانه - بیشتر)	

	(۱۰) إِنَّ الْعَقَادَ مُفَكَّرٌ و شاعرٍ مصريّ. «دی ۱۴۰۰» (انديشمند)
	(۱۱) يَشْجَعُ الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُمُ الْفَائِزُ فِي الْمَلْعَبِ . «خرداد ۱۴۰۱» (برنده - ورزشگاه(باشگاه))
۱۱	ميز في العبارات : (المستثنى منه و المستثنى) الف) كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُصُ بِالْإِنْفَاقِ إِلَّا الْعِلْمَ. «دی ۹۷ - شهریور ۹۹» ب) قَرَأْتُ الْكِتَابَ إِلَّا مُصَادِرَهُ. «دی ۹۸» مستثنی منه مستثنی ج) اِسْتَرَيْتُ أَنْوَاعَ فَاكِهِهِ إِلَّا أَنَانَسَ. «خرداد ۹۸ - دی ۹۹» د) مَا فَازَ أَحَدٌ إِلَّا الصَّادِقَ. «شهریور ۹۸» مستثنی منه مستثنی هـ) حَلَّ الطَّلَابُ الْمَسَائِلَ إِلَّا عَلِيًّا. «خرداد ۹۹» و) كُلُّ شَيْءٍ يَرْخُصُ إِذَا كَثُرَ إِلَّا الْأَدَبُ. «خرداد ۱۴۰۰» مستثنی منه مستثنی ز) لَا تَعْلَمُ زَمْيَلَاتِي اللُّغَةَ الْفَرَنسِيَّةَ إِلَّا عَطِيَّةً. «شهریور ۱۴۰۰» ح) خَصَرَ الطَّلَابُ فِي صَالَةِ الْامْتِحَانِ إِلَّا حَامِدًا. «دی ۱۴۰۰» مستثنی منه مستثنی ي) يَشْتَغُلُ الْعُمَّالُ فِي الْمَصْنَعِ إِلَّا عَامِلًا. «خرداد ۱۴۰۱» مستثنی منه مستثنی
۱۲	عَيْنَ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِمَا تَحْتُهُ خَطٌّ: الف) سِعْرُ الْعِنْبِ يَرْخُصُ فِي نَهَائِهِ الصَّيْفِ. «دی ۹۷» ب) خَصَرَ الزَّمْلَاءُ فِي صَالَةِ الْامْتِحَانِ. «خرداد ۹۸» مبتدا مجرور فاعل مضاف اليه ج) الْجِسْمُ الْقَوِيُّ يَجْذِبُ غِذَاءً مُنَاسِبًا لِنَفْسِهِ. «خرداد ۹۸» د) مَا طَالَعَتْ لَيْلَهُ الْإِمْتِحَانُ كِتَابًا إِلَّا كِتَابَ الْعَرَبِيَّةِ. «دی ۹۸» مبتدا مفعول صفت مفعول مضاف اليه هـ) كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ. «خرداد ۹۹» و) لَا تُقَلِّ كَلَامًا إِلَّا الْحَقَّ أَبْدًا. «شهریور ۹۹» مبتدا مستثنی مفعول مستثنی ز) أَضْعَفُ النَّاسِ مَنْ ضَعَّفَ عَنْ كِتَابِ سِرِّهِ. «شهریور ۹۹» ح) عَدُوٌّ عَاقِلٌ خَيْرٌ مِنْ صَدِيقٍ جَاهِلٍ. «دی ۱۴۰۰» مبتدا مجرور صفت خبر خ: جَهْرُ الْفَرَزْدُقِ حُبَّهُ لِأَهْلِ الْبَيْتِ (ع). «شهریور ۱۴۰۱» فاعل مضاف اليه
۱۳	صَعَّ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَاتِ الْمُنَاسِبَةَ: (عَلَّمَ، التَّجَارِبُ، الثَّنَوِيَّةُ، الْمَفْكُرُ، يَرْخُصُ، الْعِنْبُ، الْإِنْفَاقُ، الصُّحُفِيُّ، الظُّرُوفُ) الف) الْعَالَمُ الَّذِي لَهُ أَفْكَارٌ عَمِيقَةٌ وَ حَدِيثَةٌ يُسَمَّى الْمَفْكُرَ. «دی ۹۷ - دی ۹۸» ب) التَّجَارِبُ لَا تُغْنِينَا عَنْ الْكُتُبِ. «دی ۹۷»

ج) <u>الصَّحْفِيُّ</u> هُوَ الَّذِي يَكْتُبُ مَقَالَاتٍ فِي الصُّحُفِ. «شهریور ۹۸» د) <u>الظُّرُوفُ</u> هِيَ الْأَوْضَاعُ وَالْأَحْوَالُ الَّتِي نَشَاهِدُهَا حَوْلَنَا. «دی ۹۸» ه) كُلُّ شَيْءٍ يَرُخَّصُ إِذَا كَثُرَ إِلَّا الْأَدَبُ. «دی ۹۹» و) <u>الثَّانَوِيَّةُ</u> هِيَ الْمَرْحَلَةُ الدِّرَاسِيَّةُ بَعْدَ الْإِبْتِدَائِيَّةِ. «خرداد ۱۴۰۰» ز) <u>سِعْرُ الْعَنْبِ</u> يَرُخَّصُ فِي نَهَائِهِ الصَّيْفِ بِسَبَبِ وَفُورِهِ فِي السَّوْقِ. «خرداد ۱۴۰۰» ح) يَنْقُصُ كُلُّ شَيْءٍ بِالْإِنْفَاقِ إِلَّا الْعِلْمُ. «خرداد ۱۴۰۰»	
عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَالْمَحَلِّ الْإِعْرَاقِيِّ: الف) «فَمَا اعْتَمَدَ الْعَقَادُ إِلَّا عَلَى نَفْسِهِ». «دی ۹۷» <u>اعْتَمَدَ:</u> ۱- <u>فَعْلٌ مَاضٍ، مَفْرُودٌ، مَذْكَرٌ، مُزِيدٌ ثَلَاثِيٌّ / مَعْلُومٌ</u> ۲- <u>فَعْلٌ مَاضٍ، مَفْرُودٌ، مَذْكَرٌ، مُزِيدٌ ثَلَاثِيٌّ / مَجْهُولٌ</u> ب) «الْكِتَابُ الْمَفِيدُ هُوَ الَّذِي يَزِيدُ مَعْرِفَتَكَ فِي الْحَيَاةِ». «خرداد ۹۹» <u>المُفِيدُ:</u> ۱- <u>اسْمٌ، مَفْرُودٌ، مَذْكَرٌ، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ / صِفَةٌ</u> ۲- <u>اسْمٌ، مَفْرُودٌ، مَذْكَرٌ، مُعَرَّفٌ بِالْعِلْمِيَّةِ / خَبَرٌ</u> <u>مَعْرِفَةٌ:</u> ۱- <u>اسْمٌ، جَمْعٌ تَكْسِيرٍ، مُؤَنَّثٌ / مَضَافٌ إِلَيْهِ</u> ۲- <u>اسْمٌ، مَفْرُودٌ، مُؤَنَّثٌ / مَفْعُولٌ</u> ج) «عَدُوٌّ عَاقِلٌ خَيْرٌ مِنْ صَدِيقٍ جَاهِلٍ» «دی ۹۹» <u>عَدُوٌّ:</u> ۱- <u>اسْمٌ، جَمْعٌ تَكْسِيرٍ، نَكْرَةٌ / فَاعِلٌ</u> ۲- <u>اسْمٌ، مَفْرُودٌ، مَذْكَرٌ، نَكْرَةٌ / مُبْتَدَأٌ</u> <u>جَاهِلٍ:</u> ۱- <u>اسْمٌ فَاعِلٍ، مَفْرُودٌ، مَذْكَرٌ، نَكْرَةٌ / صِفَةٌ</u> ۲- <u>اسْمٌ مَبَالِغَةٌ، مَفْرُودٌ، مَذْكَرٌ، نَكْرَةٌ / مَضَافٌ إِلَيْهِ</u> د) «طَلَبُ الْحَاجَةِ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا أَشَدُّ مِنَ الْمَوْتِ». «خرداد ۱۴۰۰» <u>الْحَاجَةُ:</u> ۱- <u>اسْمٌ فَاعِلٍ، مَفْرُودٌ، مُؤَنَّثٌ، مُعَرَّفٌ بِالْعِلْمِيَّةِ / فَاعِلٌ</u> ۲- <u>اسْمٌ، مَفْرُودٌ، مُؤَنَّثٌ، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ / مَضَافٌ إِلَيْهِ</u> <u>أَشَدُّ:</u> ۱- <u>اسْمٌ تَفْضِيلٍ، مَفْرُودٌ، مَذْكَرٌ / خَبَرٌ</u> ۲- <u>مَصْدَرٌ، مَفْرُودٌ، مَذْكَرٌ / صِفَةٌ</u> و) الطَّالِبَاتُ نَجَحْنَ فِي الْإِمْتِحَانِ «دی ۱۴۰۰» <u>الطَّالِبَاتُ:</u> ۱- <u>اسْمٌ، جَمْعٌ مُؤَنَّثٌ سَالِمٌ، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ / مُبْتَدَأٌ</u> ۲- <u>اسْمٌ، مَفْرُودٌ مُؤَنَّثٌ، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ / فَاعِلٌ</u> <u>نَجَحْنَ:</u> ۱- <u>فَعْلٌ مَاضٍ، مَعْلُومٌ / خَبَرٌ</u> ۲- <u>فَعْلٌ مَاضٍ، مَجْهُولٌ / فَعْلٌ</u>	۱۴
إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ ۱- يُقَالُ إِنَّ الْعَقَادَ مِنْ أَهَمِّ الْكُتَابِ فِي مِصْرَ. مَا دَرَسَ إِلَّا فِي الْمَرْحَلَةِ الْإِبْتِدَائِيَّةِ لِعَدَمِ وُجُودِ مَدْرَسَةِ ثَانَوِيَّةٍ. «دی ۹۷» الف) مَا هُوَ الْعَقَادُ؟ مِنْ أَهَمِّ الْكُتَابِ فِي مِصْرَ. ب) لِمَاذَا دَرَسَ الْعَقَادُ فِي الْمَرْحَلَةِ الْإِبْتِدَائِيَّةِ فَقَطْ؟ لِعَدَمِ وُجُودِ مَدْرَسَةِ ثَانَوِيَّةٍ. ج) أَكْتُبْ مُفْرَدَ «الْكِتَابِ»: <u>الْكَاتِبُ</u>	۱۵

۲- إِنَّ الْعَقَّادَ مِنْ أَهَمِّ الْكُتَابِ فِي مِصْرَ. يُقَالُ إِنَّهُ قَرَأَ آلاَفَ الْكُتُبِ وَ تَعَلَّمَ الْإِنْجِلِيزِيَّةَ مِنَ السِّيَاحِ. «شهریور ۹۸» الف) كَمَ كِتَابًا قَرَأَ الْعَقَّادُ؟ آلاَفَ الْكُتُبِ ب) مِمَّنْ تَعَلَّمَ الْعَقَّادُ الْإِنْجِلِيزِيَّةَ؟ مِنَ السِّيَاحِ ۳- الْعَقَّادُ أَدِيبٌ وَ صُحْفِيٌّ وَ مُفَكِّرٌ وَ شَاعِرٌ مِصْرِيٌّ. مَا دَرَسَ إِلَّا فِي الْمَرْحَلَةِ الْإِبْتِدَائِيَّةِ لِعَدَمِ وَجُودِ مَدْرَسَةٍ ثَانَوِيَّةٍ فِي مُحَافَظَةِ أُسْوَانَ الَّتِي وُلِدَ وَ نَشَأَ فِيهَا. «دی ۹۸» الف: مَنْ هُوَ الْعَقَّادُ؟ مِنْ أَهَمِّ الْكُتَابِ فِي مِصْرَ. ب: لِمَاذَا دَرَسَ الْعَقَّادُ الْمَرْحَلَةَ الْإِبْتِدَائِيَّةَ؟ لِعَدَمِ وَجُودِ مَدْرَسَةٍ ثَانَوِيَّةٍ فِي مُحَافَظَةِ أُسْوَانَ.	
عَيْنَ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ: الف) الظُّرُوفُ هِيَ الْأَوْضَاعُ وَ الْأَحْوَالُ الَّتِي نَشَاهِدُهَا حَوْلَنَا. «خرداد ۹۸» صحیح ب) الصُّحْفِيُّ هُوَ الَّذِي يَكْتُبُ مَقَالَاتٍ فِي الصُّحُفِ. «شهریور ۱۴۰۰» صحیح ج) تَعَلَّمَ الْعَقَّادُ الْإِنْجِلِيزِيَّةَ مِنَ السِّيَاحِ. «شهریور ۱۴۰۰» صحیح د) الْكُتُبُ تَجَارِبُ آلاَفِ الْعُلَمَاءِ عَلَى مَرِّ السِّنِينَ. «دی ۱۴۰۰» خطأ	۱۶
عَيْنَ جُمْلَةٍ قَدْ ذُكِرَ مُسْتَشْنَى مِنْهُ فِيهَا: الف - ما حَفِظَ الْقَصِيدَةَ إِلَّا كَاطِمٌ. الف - لا نَشَاهِدُ فِي حَيَاتِهِ إِلَّا النَّشَاطَ. الف - ما شَاهَدْتُ فِي الْمَكْتَبَةِ إِلَّا كَاطِمًا. الف - ما حَفِظَ الْقَصِيدَةَ إِلَّا كَاطِمٌ. الف - لا يَسْتَطِيعُ صُعُودُهُ إِلَّا الْأَقْوِيَاءَ. الف - ﴿ لَا يَبَاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ ﴾ الف - حَضَرَ الزُّمْلَاءَ فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ إِلَّا كَاطِمًا. الف - حَلَّ الطُّلَابُ مَسَائِلَ الرِّيَاضِيَّاتِ إِلَّا مَسْأَلَةً. ب- يَغْفِرُ اللَّهُ الذَّنُوبَ إِلَّا الشَّرْكَ بِاللَّهِ. «دی ۹۷» ب- مَا طَالَعْتُ لَيْلَةَ الْإِمْتِحَانِ كِتَابًا إِلَّا كِتَابَ الْعَرَبِيَّةِ. «خرداد ۹۸» ب- قَرَأْتُ الْكِتَابَ إِلَّا مَصَادِرَهُ. «شهریور ۹۸» ب- إِشْتَرَيْتُ أَنْوَاعَ الْفَاكِهَةِ إِلَّا أُنَاسًا. «دی ۹۸» ب- لَا تَعَلَّمُ زَمِيلَاتِي اللُّغَةَ الْفَرَنْسِيَّةَ إِلَّا عَطِيَّةً. «خرداد ۹۹» ب- حَلَّ الطُّلَابُ مَسَائِلَ الرِّيَاضِيَّاتِ إِلَّا مَسْأَلَةً. «شهریور ۹۹» ب- مَا شَاهَدْتُ فِي الْمَكْتَبَةِ إِلَّا كَاطِمًا. «دی ۹۹» ب- مَا فَازَ إِلَّا الصَّادِقُ. «خرداد ۱۴۰۰»	۱۷

أَرْجُو مِنَ اللَّهِ التَّوْفِيقَ.

رشته: ریاضی و فیزیک - علوم تجربی	سؤالات امتحان نهایی: عربی زبان قرآن ۳	پایه: دوازدهم دوره دوم متوسطه
الدرس الرابع	عنوان درس: الْفَرَزْدَق	تنظیم کننده: افسانه باقری - طیبه عباسی
ردیف	شرح سؤالات	
۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (الف) إِذَا أَكْرَمْتَ اللَّيْمَ تَمَرَّدَا. (دی ۹۷) (نافرمانی کرد) (ب) هَذَا الَّذِي تَعْرِفُ الْبَطْحَاءَ وِطَانُهُ. «خرداد ۹۸ و ۱۴۰۰» (جای پا) (ج) خَافَ هِشَامٌ أَنْ يَرْغَبُوا فِيهِ. «شهریور ۹۸» (که علاقه مند شوند) (د) الْعَرَبُ تَعْرِفُ مَنْ أَنْكَرَتْ وَالْعَجَمُ. «دی ۹۸» (انکار کردی) (ه) إِنَّهُ مِنْ كِبَارِ أَهْلِ الشَّامِ. «دی ۹۹ - شهریور ۱۴۰۰» (بزرگان) (و) رَحَلَ الْفَرَزْدَقُ إِلَى خُلَفَاءِ بَنِي أُمَيَّةَ. «دی ۱۴۰۰» (کوچ کرد) (ز) هَاتَانِ الْبَتْنَانِ قَامَتَا بِجَوْلَةٍ عِلْمِيَّةٍ. «شهریور ۱۴۰۱» (گردش) (ح) فَالْتَّجَارِبُ لَا تَغْنِيُنَا عَنْ الْكُتُبِ. «شهریور ۱۴۰۱» (ما را بی نیاز نمی کند)	
۲	عَيِّنِ الْمُتَضَادَّ وَ الْمُتَرَادِفَ: (الف) الْكِبَارُ ≠ الصَّغَارُ «خرداد ۹۸» (ب) وَاقْتُ = مَطْمَئِن «دی ۹۹» (ج) أَعَانَ = نَصَرَ «خرداد ۱۴۰۰» (د) الْغِذَاءُ = الطَّعَامُ «شهریور ۱۴۰۰» (ه) يَقْدِرُ = يَسْتَطِيعُ «دی ۱۴۰۰» (و) الْمَدْحُ = الذَّمُّ «خرداد ۱۴۰۱»	
۳	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى: (الف) الْكِسَاءُ (ب) الثَّوبُ (ج) اللَّبَاسُ (د) الثَّرَابُ «دی ۹۹»	
۴	أَكْتُبْ جَمْعَ الْكَلِمَةِ: الْفَقِيرُ: الْفُقَرَاءُ النَقْشُ: النُقُوشُ «خرداد ۱۴۰۱»	
۵	تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (الف) خَافَ هِشَامٌ مِنْ أَنْ يَعْرِفَ النَّاسُ الْإِمَامَ وَيَرْغَبُوا فِيهِ. «دی ماه ۹۷» هشام ترسید از اینکه مردم امام را بشناسند و به او علاقه مند شوند. (ب) الزَّرَافَةُ بِكَمَاءٍ لَيْسَتْ لَهَا أَحْبَالٌ صَوْتِيَّةٌ. «خرداد ۹۸» زرافه لال است و تارهای صوتی ندارد.	

ج) نَوْعٌ مِنَ السَّمَكِ يُدْفَنُ تَحْتَ الطِّينِ. «شهریور ۹۸»

گونه‌ای از ماهی زیر گل دفن می‌شود.

د) أَيْهَا الْخَلِيفَةُ مَنْ هَذَا الَّذِي قَدْ سَمَحَ النَّاسَ لَهُ بِاسْتِلاَمِ الْحَجَرِ. «شهریور ۹۸»

ای خلیفه! این کیست که مردم به او اجازه داده‌اند که سنگ را مسح کند؟

هـ) الْمُغُولُ اسْتَطَاعُوا أَنْ يَهْجُمُوا عَلَى الصِّينِ عَلَى الرَّغْمِ بِنَاءِ سُوْرٍ عَظِيمٍ حَوْلَهَا. «شهریور ۹۸»

مغول‌ها توانستند که به چین حمله کنند با وجود ساختن دیوار بزرگی اطراف آن.

و) يَحْفَرُ الصَّيَّادُونَ الْإِفْرِيقِيُونَ التَّرَابَ الْجَفَّافَ لِصَيْدِ السَّمَكِ. «دی ماه ۹۸»

شکارچیان آفریقایی خاک خشک را برای صید ماهی می‌کنند.

ز) كَانَ يَنْظُرُ هِشَامُ النَّاسَ وَمَعَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ كِبَارِ أَهْلِ الشَّامِ. «دی ۹۸ - خرداد ۱۴۰۱»

هشام به مردم نگاه می‌کرد در حالی که گروهی از بزرگان شام همراهش بودند.

ح) عَدَدُ النَّمْلِ فِي الْعَالَمِ يَفُوقُ عَدَدَ الْبَشَرِ بِمِليُونٍ مَرَّةٍ تَقْرِيْبًا. «دی ۹۸»

تعداد مورچگان در جهان تقریباً یک میلیون بار بیشتر از تعداد بشر است.

ط) الْحَوْتُ يُصَادُّ لِاسْتِخْرَاجِ الزَّيْتِ مِنْ كَبِدِهِ لِصِنَاعَةِ مَوَادِّ التَّجْمِيلِ. «خرداد ۹۹»

نهنگ برای خارج کردن روغن از کبدش برای ساختن مواد آرایشی صید می‌شود.

ي) تَجْتَهِدُ الْأُمُّ لِتَرْبِيَةِ أَوْلَادِهَا اجْتِهَادًا بِالْغَا. «دی ۹۹»

مادر برای تربیت فرزندانش بسیار تلاش می‌کند.

ك) وَ لَيْسَ قَوْلُكَ مِنْ هَذَا بِضَائِرِهِ الْعَرَبُ تَعْرِفُ مَنْ أَنْكَرَتْ وَ الْعَجَمُ «دی ۹۹»

و این گفته تو که «این کیست» زیان‌رساننده بدو نیست و عرب و غیرعرب کسی را که تو انکار کردی می‌شناسد.

ل) وَ لَيْسَ قَوْلُكَ مِنْ هَذَا بِضَائِرِهِ. «خرداد ۱۴۰۰»

و این گفته تو که «این کیست» زیان رساننده بدو نیست.

م) هذا ابنُ خَیرِ عِبَادِ اللَّهِ كُلِّهِمْ هذا التَّقِي النَّفِي الطَّاهِرُ الْعَلَم «خرداد ۱۴۰۰»

این فرزند بهترین همه بندگان خداست. این پرهیزگار پاک بزرگ قوم است.

ن) لَمَّا وَصَلَ إِلَى الْحَجَرِ اسْتَلَمَهُ اسْتِلَامًا سَهْلًا. «خرداد ۱۴۰۰»

هنگامی که به سنگ رسید آن را به آسانی مسح کرد.

س) عَلَّمَهُ الْقُرْآنَ تَعْلِيمًا وَ رَحَلَ الْفَرَزْدَقُ إِلَى خُلَفَاءِ بَنِي أُمَيَّةَ بِالشَّامِ. «خرداد ۱۴۰۰»

قرآن را قطعاً به او آموخت و فرزدق به سوی خلفای بنی امیه در شام کوچ کرد.

ع) هذا الَّذِي تَعْرِفُ الْبَطْحَاءَ وَطَأْتُهُ. «شهریور ۱۴۰۰»

این کسی است که سرزمین مکه جای پایش را می شناسد.

ف) مَدَحَ الْفَرَزْدَقُ خُلَفَاءَ بَنِي أُمَيَّةَ وَ نَالَ جَوَائِزَهُمْ. «شهریور ۱۴۰۰»

فرزدق خلفای بنی امیه را ستود و به جایزه هایشان دست یافت.

ص) مَنْ هَذَا الَّذِي قَدْ سَمَحَ النَّاسُ لَهُ بِاسْتِلَامِ الْحَجَرِ. «شهریور ۱۴۰۰»

این چه کسی است که مردم به او اجازه مسح کردن سنگ را می دهند.

ق) خَافَ هِشَامٌ مِنْ أَنْ يَعْرِفَهُ أَهْلُ الشَّامِ وَ يَرْغَبُوا فِيهِ رَغْبَةً الْمُحِبِّينَ. «شهریور ۱۴۰۰»

هشام ترسید که اهل شام او را بشناسند و همچون دوستداران به او علاقه مند شوند.

ر) فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ جَاءَ بِهِ أَبُوهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ (ع). «دی ۱۴۰۰»

در روزی از روزها پدرش او را نزد امیرمؤمنان علی (ع) آورد.

ش) الْعَرَبُ تَعْرِفُ مَنْ أَنْكَرَتْ وَ الْعَجَمُ. «دی ۱۴۰۰»

عرب و عجم کسی را که تو انکار کردی می شناسند.

ت) الْفَرَزْدَقُ وَلَدٌ فِي مَنْطِقَةِ الْكُوَيْتِ الْحَالِيَةِ وَعَاشَ بِالْبَصْرَةِ. «دی ۱۴۰۰» فرزدق در منطقه‌ای در کویت کنونی متولد شد و در بصره زندگی کرد. ث) لَمَّا وَصَلَ إِلَى الْحَجَرِ ذَهَبَ النَّاسُ جَانِبًا فَاسْتَلَمَهُ اسْتِلَامًا سَهْلًا. «دی ۱۴۰۰» هنگامی که به سنگ رسید مردم کنار رفتند پس آن را به آسانی مسح کرد. خ) لَا فَقْرَ أَشَدَّ مِنَ الْجَهْلِ وَلَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ. «خرداد ۱۴۰۱» هیچ فقری سخت‌تر از نادانی نیست و هیچ عبادتی هم چون تفکر نیست. ذ) حِينَ يَرَى حَيَوَانًا مُفْتَرِسًا يَتَظَاهَرُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ. «شهریور ۱۴۰۱» هنگامی که حیوان درنده‌ای را می‌بیند وانمود می‌کند که بالش شکسته است.	۶. اِنْتَخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ: الف) ﴿فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا﴾ «دی ۹۷ - شهریور ۹۸» ۱- <u>پس به زیبایی صبر کن.</u> ۲- <u>قطعا شکیبایی کن.</u> ب) نَجْتَهْدُ الْأُمَّ لِتَرْبِيَةِ أَوْلَادِهَا اجْتِهَادًا بِالْغَا. «دی ۹۷ - خرداد ۹۸» ۱- <u>مادر برای تربیت فرزندان تلاش می‌کند.</u> ۲- <u>مادر برای تربیت فرزندانش بسیار تلاش می‌کند.</u> ج) اِسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ اِسْتِغْفَارًا صَادِقًا. «دی ۹۷» ۱- <u>از خدا مانند درست‌کاران آمرزش خواستم</u> ۲- <u>از خدا صادقانه آمرزش خواستم.</u> د) ﴿نَزَّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا﴾ «دی ۹۷» ۱- <u>فرشتگان قطعاً فرود آورده شدند.</u> ۲- <u>مانند ملائک فرود آمدند.</u> هـ) ﴿كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا﴾ «خرداد ۹۸» ۱- <u>خدا با موسی سخنی گفت.</u> ۲- <u>خدا با موسی قطعاً سخن گفت.</u>
---	---

د) ﴿أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ «شهریور ۹۸» ۱- خدا را بسیار یاد کنید. ۲- خدا را بسیار یاد کردند. ه) كَانَ فَرْزَدُقٌ يَسْتَرْحِبُهُ لِأَهْلِ الْبَيْتِ (ع). «دی ۹۸» ۱- فرزدد دوستی اش به اهل بیت (ع) را پنهان کرده بود. ۲- فرزدد دوستی اش به اهل بیت را پنهان می کرد. و) اسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ اسْتَغْفَارَ الصَّالِحِينَ. «دی ۹۸» ۱- مانند درست کاران از خدا آمرزش خواستم. ۲- از خدا درست کارانه آمرزش خواستم ز) فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ جَاءَ بِهِ أَبُوهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ (ع). «دی ۹۹» ۱- در روزی از روزها با پدرش نزد امیرمؤمنان علی (ع) آمد. ۲- در روزی از روزها پدرش او را نزد امیرمؤمنان علی (ع) آورد.	۷ كَمَّلِ الْفَرَاعَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ: الف) لَمْ يَقْدِرْ أَنْ يَسْتَلِمَهُ لَكَثْرَةِ الْإِزْدَحَامِ. «دی ۹۷» به دلیل کثرت جمعیت نتوانست آن را مسح کند. ب) الْحَوْتُ يُصَادُّ لِاسْتِخْرَاجِ الزَّيْتِ مِنْ كَبِدِهِ لِصِنَاعَةِ مَوَادِّ التَّجْمِيلِ. «خرداد ۹۸» نهنگ برای استخراج روغن از جگرش برای ساختن مواد آرایشی شکار می شود. ج) اسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ اسْتَغْفَارَ الصَّالِحِينَ. «شهریور ۹۸» از خدا همچون درست کاران آمرزش خواستم. د) الْمُغُولُ اسْتَطَاعُوا أَنْ يَهْجُمُوا عَلَى الصَّبِينَ. «دی ۹۸» مغول ها توانستند به چین حمله کنند. ه) كَانَ الْفَرْزَدُقُ مُحِبًّا لِأَهْلِ الْبَيْتِ (ع) وَكَانَ يَسْتَرْحِبُهُ عِنْدَ خُلَفَاءِ بَنِي أُمَيَّةَ. «شهریور ۱۴۰۰» فرزدد دوستدار اهل بیت بود و دوستی اش را نزد خلفای بنی امیه پنهان می کرد.
---	---

	و) نُصِبَ لَهُ مِنْبَرٌ وَ جَلَسَ عَلَيْهِ جُلُوسَ الْأَمْرَاءِ. «دی ۱۴۰۰» منبری برای <u>نصب شد</u> و بر آن <u>هیچون</u> پادشاهان نشست.
۸	تَرْجِمِ الْأَفْعَالِ وَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ: الف) تَقَاعَدَ: بازنشسته شد. «شهریور ۹۹» ۱- هُوَ كَانَ قَدْ تَقَاعَدَ. ۲- أَنْتَ لَا تَتَقَاعَدُ. ۳- نَحْنُ نَتَقَاعَدُ. ۴- أَنْتُمْ سَتَتَقَاعَدُونَ. بازنشسته شده بود بازنشسته نمی شوی بازنشسته می شویم بازنشسته خواهید شد ب) تَقَرَّبَ: نزدیک شد «دی ۹۹» ۱- لَنْ يَتَقَرَّبَ. ۲- لَا تَتَقَرَّبُوا. ۳- كَانَ يَتَقَرَّبُ. نزدیک نخواهد شد نزدیک نشوید نزدیک می شد ج) تَذَكَّرَ: به یاد آورد «دی ۱۴۰۰» ۱- مَا تَذَكَّرْتُمْ صَدِيقَكُمْ. ۲- سَنَذَكِّرُ الدَّرْسَ. ۳- لَيَتَذَكَّرُ دَرْسَهُ. به یاد نیاوردید به یاد خواهیم آورد باید به یاد بیاورد
۹	الف) اُبْحَثْ عَنِ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ فِي الْجُمْلِ: (اسم الفاعل - اسم المفعول - اسم التفضيل - اسم المكان) ۱- جَاءَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ (ع). «دی ۹۷» اسم فاعل ۲- يَذْهَبُ الصَّيَّادُونَ إِلَى مَكَانٍ اخْتَفَاءٍ. «دی ۹۷» اسم مبالغه ۳- دُبُّ الْبَانْدَا عِنْدَ الْوَلَادَةِ أَصْغَرُ حَجْمًا مِنَ الْفَأْرِ. «شهریور ۹۸» اسم تفضیل ۴- اِشْتَدَّ الْإِزْدِحَامُ أَمَامَ الْمَلْعَبِ الرِّیَاضِيِّ. «خرداد ۱۴۰۰» اسم مکان ب) تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: ۱- لَا تَعْمُرُ الْحِكْمَةُ فِي قَلْبِ الْإِنْسَانِ الْجَبَّارِ. «شهریور ۹۸» بسیار ستمگر

۱۰	الف) مَیِّزُ المفعول مطلق و نوعه:	۱- إصْبِرْ عَلَى الْمَشَاكِلِ صَبْرًا. «دی ۹۷» مفعول مطلق تأکیدی
	۲- يُؤَثِّرُ فِي نَفْسِهِ تَأْثِيرًا عَمِيقًا يَظْهَرُ فِي آرَائِهِ. «خرداد ۹۸» مفعول مطلق نوعی	
	۳- هَذَا السَّمَكُ يَحْتَاجُ إِلَى الْمَاءِ احْتِاجًا. «شهریور ۹۸» مفعول مطلق تأکیدی	
	۴- ﴿نَزَلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا﴾ «دی ۹۸» مفعول مطلق تأکیدی	
	۵- خَافَ هِشَامٌ مِنْ أَنْ يَرْغَبُوا فِيهِ رَغْبَةً الْمُحِبِّينَ. «دی ۹۹» مفعول مطلق نوعی	
	۶- جَلَسَ هِشَامٌ عَلَيْهِ جُلُوسًا الْأَمْرَاءَ. «شهریور ۱۴۰۰» مفعول مطلق نوعی	
	۷- طَافَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ (ع) بِالْبَيْتِ طَوَافَ الْأَعَاظِمِ. «دی ۱۴۰۰» مفعول مطلق نوعی	
	ب) مَیِّزُ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ: (المفعول المطلق و نوعه - الفاعل - الخبر) «خرداد ۹۹»	
	۱- ﴿كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا﴾ ۲- وَرَقَةُ الزَّيْتُونِ رَمَزُ السَّلَامِ.	فاعل مفعول مطلق تأکیدی خبر
	ج) مَیِّزُ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ (المفعول المطلق و نوعه - الصِّفَةُ - المفعول) «شهریور ۹۹»	
	۱- فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا. ۲- إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ	مفعول مطلق نوعی / صفت مفعول
۱۱	عَيْنُ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ:	
	الف) الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ. «دی ۹۸» ب) الْحَاجُّ اسْتَلَمَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ بِالْكَعْبَةِ الشَّرِيفَةِ. «خرداد ۱۴۰۰»	مبتدا مضاف إليه مبتدا صفت
۱۲	إِنْتَخَبَ الصَّحِيحُ:	
	الف) الْحُجَّاجُ مَرَاتٍ حَوْلَ بَيْتِ اللَّهِ لِأَدَاءِ مَنَاسِكِ الْحَجِّ. (يَطْرُدُونَ - يَطُوقُونَ - يَطُوفُونَ) «دی ۹۷»	

ب) لولا الشرطي لاشتد أمَامَ المَلْعَبِ الرياضيِّ. (الزَّيت - <u>الازدحام</u> - المَجَال) «خرداد ۹۸» ج) الحَاجَّ الحَجَرِ الأَسْوَدَ بالكَعْبَةِ الشَّرِيفَةِ. (اسْتَعَانَ - اسْتَمَعَ - <u>اسْتَلَمَ</u>) «خرداد ۹۹» د) أمرُ فعلٍ «تَذَكَّرَ»: (ذَكَرَ - <u>تَذَكَّرَ</u> - أَذْكَرَ) «خرداد ۹۹» هـ) ﴿نَزَلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا﴾ (<u>فَرُود آورده شدند</u> - فَرُود آورده می شوند - فَرُود می آیند) «خرداد ۹۹» و) كُنْتُ أَمْشِي، رَأَيْتُ حَادِثًا فِي سَاحَةِ الْمَدِينَةِ. (عِنْدَ - جَانِبًا - <u>بَيْنَا</u>) «شهریور ۹۸ و ۹۹» ز) يُصَادُّ لِاسْتِخْرَاجِ الزَّيْتِ مِنْ كِبْدِهِ لِصِنَاعَةِ مَوَادِّ التَّجْمِيلِ. (<u>الحَوْتَ</u> - الحَفَّاش - الزَّرَافَةُ) «شهریور ۹۹» ح) عَيْنِ الْمُرَادِفِ «اسْتَطَاعَ»: (غَلَا - نَامَ - <u>قَدَّرَ</u>) «شهریور ۹۹»	۱۳ عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: (الازدحام - بَيْنَا - الدَّارِجَةُ - يَطُوفُونَ - عِنْدَ) الف) <u>بَيْنَا</u> كُنْتُ أَمْشِي، رَأَيْتُ حَادِثًا فِي سَاحَةِ الْمَدِينَةِ. «شهریور ۹۸» ب) الحُجَّاجُ <u>يَطُوفُونَ</u> مَرَّاتٍ حَوْلَ بَيْتِ اللَّهِ لِأَدَاءِ مَنَاسِكِ الْحَجِّ. «شهریور ۱۴۰۰» ج) تَلَفُظُ «گ» و «پ» مَوْجُودٌ فِي اللِّهْجَاتِ <u>الدَّارِجَةِ</u> كَثِيرًا. «شهریور ۹۸»
۱۴ اِقْرَأِ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ: ۱- «إِنَّ الزَّرْعَ يَنْبُتُ فِي السَّهْلِ وَلَا يَنْبُتُ فِي الصَّفَا. فَكَذَلِكَ الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ وَلَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ». «طَافَ هِشَامٌ وَلَمَّا وَصَلَ إِلَى الْحَجَرِ لَمْ يَقْدِرْ أَنْ يَسْتَلِمَهُ لِكَثْرَةِ الْإِزْدِحَامِ، فَنُصِبَ لَهُ مِنْبَرٌ وَجَلَسَ عَلَيْهِ». «خرداد ۹۸» الف) هَلِ الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ؟ لا، تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ. ب) مَاذَا نُصِبَ لِهِشَامٍ؟ مَنْبَرٌ ج) لِمَاذَا لَمْ يَقْدِرْ هِشَامٌ أَنْ يَسْتَلِمَ الْحَجَرَ؟ لِكَثْرَةِ الْإِزْدِحَامِ د) أَيْنَ يَنْبُتُ الزَّرْعُ؟ فِي السَّهْلِ ۲- «يَنْظُرُ هِشَامٌ إِلَى الْحُجَّاجِ، إِذْ جَاءَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ (ع) فَطَافَ بِالْبَيْتِ، فَلَمَّا وَصَلَ إِلَى الْحَجَرِ، ذَهَبَ النَّاسُ جَانِبًا، فَاسْتَلَمَهُ بِسَهُولَةٍ». «شهریور ۹۸»	

الف - مَنْ يَنْظُرُ إِلَى الْحُجَّاجِ؟ هِشَامٌ ب - كَيْفَ اسْتَلَمَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ (ع) الْحَجَرَ؟ بِسُهُولَةٍ ت - أَكْتُبْ جَمَعَ «الْبَيْتِ»: الْبُيُوتُ ۳- كَانَ فَرَزْدَقٌ مِنْ شُعْرَاءِ الْعَصْرِ الْأُمَوِيِّ وَ مُحِبًّا لِأَهْلِ الْبَيْتِ (ع)، وَ كَانَ يَسْتَرْحِبُهُ عِنْدَ خُلَفَاءِ بَنِي أُمَيَّةَ، وَ لَكِنَّهُ جَهَرَ بِهِ لَمَّا حَجَّ هِشَامُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ فِي أَيَّامِ أَبِيهِ. «خرداد ۱۴۰۰» الف - مَتَى جَهَرَ الْفَرَزْدَقُ حُبَّهُ لِأَهْلِ الْبَيْتِ (ع)؟ لَمَّا حَجَّ هِشَامُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ فِي أَيَّامِ أَبِيهِ. ب - مَنْ كَانَ الْفَرَزْدَقُ؟ مِنْ شُعْرَاءِ الْعَصْرِ الْأُمَوِيِّ.	۱۵ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ: الف - الْمُسْلِمُ اسْتَلَمَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ بِالْكَعْبَةِ الشَّرِيفَةِ. «شهریور ۹۸» إِسْتَلَمَ: ۱- فَعْلٌ مَاضٍ، مَعْلُومٌ / خَبْرٌ ۲- فَعْلٌ مُضَارِعٌ، مَعْلُومٌ / فَعْلٌ الشَّرِيفَةُ: ۱- اسْمٌ فَاعِلٌ، جَمْعُ مُؤَنَّثٍ، مُعْرَفٌ بِأَلْ / مضاف إليه ۲- اسْمٌ، مَفْرَدٌ، مُؤَنَّثٌ، مُعْرَفٌ بِأَلْ / صِفَةٌ ب - الْحِكْمَةُ لَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْجَبَّارِ الْمُتَكَبِّرِ. «شهریور ۱۴۰۰» لَا تَعْمُرُ: ۱- فَعْلٌ مُضَارِعٌ، مَفْرَدٌ، مُؤَنَّثٌ، غَائِبٌ، مَعْلُومٌ / خَبْرٌ ۲- فَعْلٌ مُضَارِعٌ، مَفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، مُخَاطَبٌ / فَعْلٌ وَ فَاعِلٌ الْجَبَّارُ: ۱- اسْمٌ، مَفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، مُعْرَفٌ بِأَلْ / مضاف إليه ۲- اسْمٌ، مَفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، مُعْرَفٌ بِأَلْ، اسْمٌ مُبَالِغَةٌ / صِفَةٌ
عَيْنُ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأُ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ: الف) عِنْدَ الشَّدَائِدِ يُعْرَفُ الْإِخْوَانُ. «شهریور ۱۴۰۰» ب) الْخَفَّاشُ هُوَ الْحَيَوَانُ اللَّبُونُ الَّذِي يَقْدِرُ عَلَى الطَّيْرَانِ. «خرداد ۹۸» صحيح صحيح	۱۶

أَرْجُو مِنَ اللَّهِ التَّوْفِيقَ.